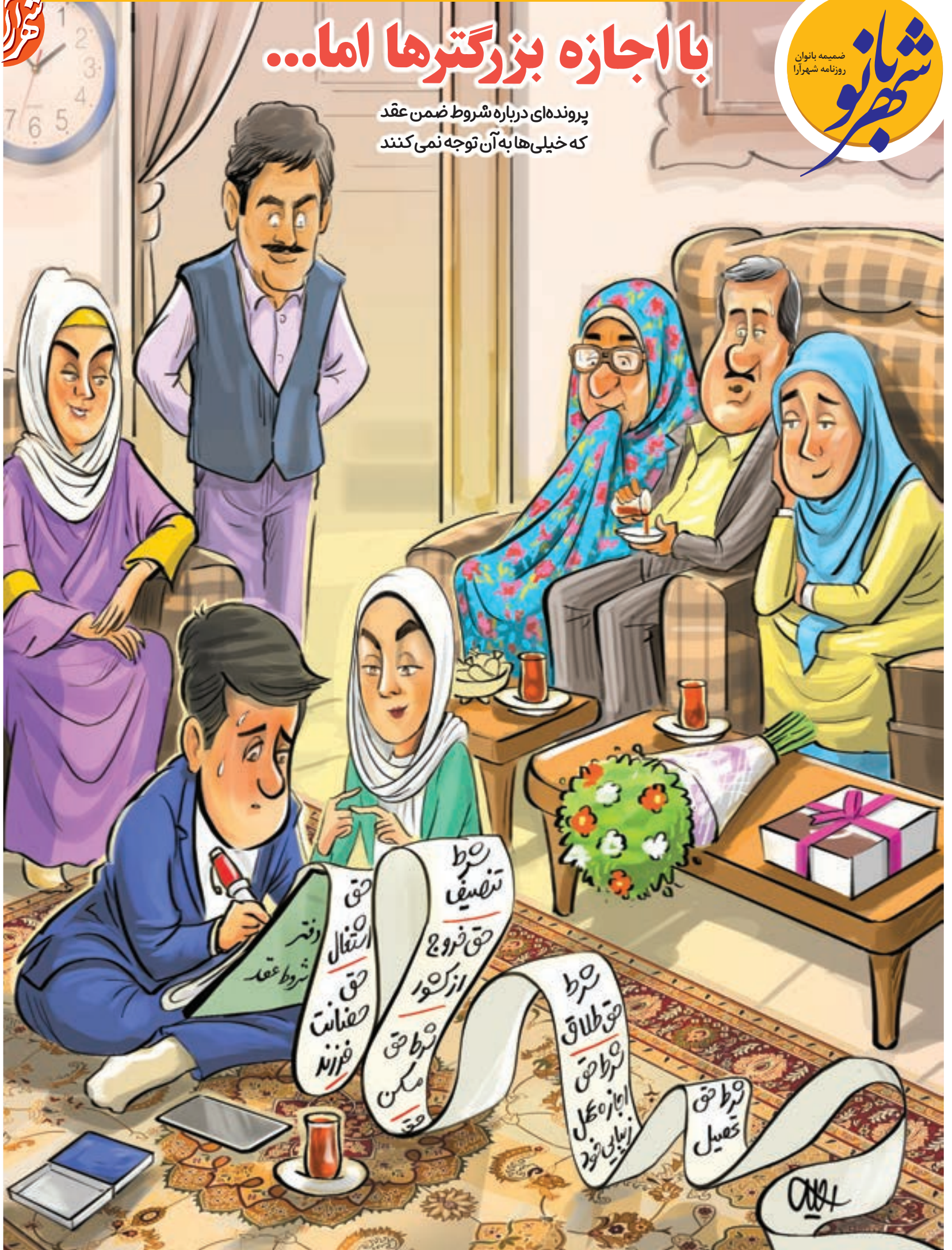


با اجازه بزرگترها اما...

پرونده‌ای درباره شروط ضمن عقد
که خیلی‌ها به آن توجه نمی‌کنند



کارتون: محمدعلی رحیمی

۳۰ والدین محترم
لطفا آپدیت شوید!

۲۲ خاطره‌سازی در
بلندترین شب سال

۴ این خانه روشن
به آیات نور است



جانقربان! صبح روز سه شنبه، بیست و هفتم آذر، هزاران نفر از زنان و دختران ایرانی و مهمانان خارجی پاره‌پاره معظّم انقلاب اسلامی دیدار کردند. ایشان در این دیدار با توجه به نزدیکی به ایام ولادت حضرت فاطمه (س)، به بیان نکاتی درباره شخصیت این بانوی بزرگوار پرداختند و حضرت فاطمه زهرا (س) را از شگفتی‌های آفرینش خواندند و فرمودند: در باره فاطمه زهرا (س) آنچه من می‌توانم عرض کنم، این است که این بزرگوار، این بانوی جوان، از شگفتی‌های آفرینش است. در سختی‌ها، غمگسار پیغمبر (ص)؛ در جهاد، همراه امیرالمؤمنین (ع)؛ در عبادت، خیره‌کننده چشم فرشتگان؛ در سیاست، سراینده آن خطبه‌های فصیح و بلیغ و آتشین. کودکی او الگوست، جوانی او الگوست، ازدواج او الگوست، سیره زندگی او الگوست؛ همه این‌ها برترین الگوهای هستند که نشان‌دهنده قله زن مسلمان محسوب می‌شوند؛ درست است که همه نمی‌توانند برسند، لکن می‌توانند به آن سمت حرکت کنند.

نکته مهمی که در این دیدار رهبر معظم انقلاب به آن پرداختند، مسئله زن و موضوع تنظیم منشوری از دیدگاه اسلام درباره زن بود. در این دیدار رهبر معظم انقلاب به شش موضوع زوجیت، برتری جنسیت، برابری جنسیت، حقوق یکسان، معاشرت و ارتباطات و مسئله مادری اشاره کردند که البته این نکات به فرمایش ایشان بخشی از نکات منشور می‌تواند باشد؛ این‌ها چند نکته راجع به مسئله زن و نگاه به زن در اسلام است. البته این منشور را اگر کسی بخواد تهیه کند، شاید مثلاً سی ماده یا چهل ماده در این منشور وجود داشته باشد که من چند موردش را عرض کردم.

در ادامه نکات مورد توجه ایشان را در باره منشور دیدگاه اسلام در باره زن، برایتان نوشته‌ایم.

۱

زوجیت

«اولین موضوعی که در این منشور باید بیاید، مسئله زوجیت است. مسئله زوجیت، مسئله تشکیل خانواده، مسئله مکمل هم بودن زن و مرد که مکمل هم هستند. وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا، سوره نحل، بخشی از آیه ۷۲: "و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد... " خدای متعال زن و مرد را زوج آفریده، یعنی مکمل یکدیگر. لازمه زوجیت این است که یک واحد تشکیل بشود، و الا زوجی نیست. دو واحد اگر چنانچه در کنار هم قرار گرفتند، با هم متحد و مؤتلف شدند، یک واحد سوم به وجود می‌آید که آن عبارت است از خانواده، خانواده یک سنت الهی است، یک سنت آفرینش است.»

۲

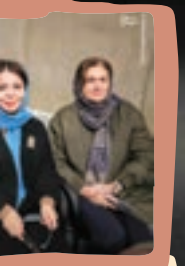
برتری جنسیت

«موضوع دوم این است که این زوج، این دو فرد برای رسیدن به حیات طیبه که رسیدن به «حیات طیبه» هدف آفرینش انسان است، این زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند، هیچ کدام از دیگری برتر نیست. اِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِمَاتِ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالصّٰدِقَاتِ وَالصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰبِرَاتِ وَالْخٰشِعِيْنَ وَالْخٰشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِيْنَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصّٰئِمِيْنَ وَالصّٰئِمَاتِ وَالْحٰفِظِيْنَ فُرُوجَهُمْ وَالْحٰفِظَاتِ وَالذّٰكِرِيْنَ اللّٰهَ كَثِيْرًا وَالذّٰكِرَاتِ، سوره احزاب، آیه ۳۵: «مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند...» در حرکت معنوی به سمت خدا، به سمت حیات طیبه، به سمت تعالی انسانی در عوالم ملکوت و عوالم معنوی روحانی توحیدی بالا هیچ تفاوتی وجود ندارد، این هم یک اصل دیگری از اصولی که در این منشور باید گنجانده بشود.»

۳

برابری جنسیت

«موضوع بعدی این است که با اینکه در ظاهر زن و مرد از لحاظ جسمی تفاوت وجود دارد، اما از لحاظ توانایی‌های فکری و روحی در هر دو جنس استعداد های بی‌نهایت وجود دارد و تفاوتی با هم ندارند، یعنی در علم، زن و مرد هر دو می‌توانند مسابقه بدهند؛ این جور نیست که مردها عالم‌تر از زن‌ها باشند، نه، زن‌های بزرگی، والایی، دارای مقامات برجسته‌ای از لحاظ علمی در تاریخ بوده‌اند؛ امروز البته صدها برابر بیشتر، هم در دانشگاه، هم در حوزه، وجود دارند. از لحاظ هنر، از لحاظ نوآوری‌های فکری و عملی، از لحاظ اثرگذاری اجتماعی و فکری و سیاسی، از لحاظ فعالیت‌های اقتصادی این توانایی‌ها در هر دو جنس، در زن و در مرد، وجود دارد. پس بنابراین زن می‌تواند در مواردی می‌باید در این عرصه‌ها ورود کند؛ می‌تواند وارد این عرصه‌ها بشود، در یک جاهایی هم لازم و واجب است که در این عرصه‌ها وارد بشود، در سیاست، در اقتصاد، در مسائل بین‌المللی، در مسائل علمی، در مسائل فرهنگی و هنری، در همه جا. این هم یک موضوع که در منشور اسلامی مربوط به زن این معنا قطعاً وجود دارد.»



مهمانان خارجی حضور داشتند.



آیات سوره کوثر در آغاز این دیدار تلاوت شد.



حدیث نصب شده در محل سخنرانی مورد توجه خیلی‌ها بود.

رهبر معظم انقلاب:

حقوق زن و مرد در خانواده یکسان است

مروری بر نکات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف زنان و دختران

چند جمله درباره زن از بیانات حضرت آقا

شاهد شد زنان مؤمن و
دانا و فعال از اول انقلاب
تا امروز بوده ایم.

۱۵

ابتکار

در کشور قطعاً جمعیت زیادی
از بانوان در مراتب علمی،
فکری، نوآوری، ابتکار و اجتهاد
در خشنده اند.

میدان

بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل
نظام جمهوری اسلامی، در
بخش های مختلف، زن ها وارد
میدان شدند.

هویت

زن ایرانی توانست از هویت و فرهنگ کشور
صیانت کند؛ توانست از سنت های تاریخی و
اصیل کشور صیانت کند؛ با متانت خودش،
با حیای خودش، با عفتی که به خرج داد، در
دانشگاه وارد شد. در فعالیت های سیاسی وارد
شد. در فعالیت های بین المللی وارد شد. اما
فاسد نشد؛ این خیلی مهم است.

مجتهد

در حوادث بزرگ، زنان مادر خشیدند، در جنگ
در خشیدند، در دفاع از حرم در خشیدند، در
مبارزات سیاسی در خشیدند. در مراکز تحقیقاتی
در خشیدند؛ در دانشگاه ها همین طور، در حوزه ها
همین جور. آن وقت ها که در حوزه علمیه بودیم،
یادم نمی آید که زنی به مرتبه اجتهاد فقهی
رسیده باشد. اما امروز خوشبختانه زن هایی
که مجتهدند و به اجتهاد فقهی رسیده اند، کم
نیستند. بنده حتی معتقدم بسیاری از مسائل
زنانه که موضوعش زنان هستند و مرد ها در ست
موضوع را تشخیص نمی دهند، باید خانم ها از
مجتهد زن تقلید کنند.

۴ حقوق یکسان

«موضوع بعدی این است که زن و مرد در محیط خانواده، نقش های متفاوتی دارند؛ این دلیل برتری نیست. مثلاً هزینه خانواده، به عهده مرد است؛ این دلیل برتری نمی شود. فرزندآوری، به عهده زن است؛ این دلیل برتری نمی شود. این ها هر کدام یک امتیاز است؛ یک امتیازی است که زن و مرد دارند. حقوق زن و مرد بر این پایه ها محاسبه نمی شود؛ حقوق یکسانی دارند. این هم در قرآن هست: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ» سوره بقره، بخشی از آیه ۲۲۸؛ حقوق زن و مرد در خانواده یکسان است؛ یعنی اگر از لحاظ حقوقی به خانواده نگاه کنیم، دو فردی که از لحاظ حقوقی یکسان هستند، دارند با هم زندگی می کنند، یکدیگر را تکمیل می کنند. البته زن از لحاظ عاطفی، یک خصوصیتی دارد، پیغمبر (ص) در مورد زنان فرمود: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة» کافی، ج ۵، ص ۵۱۰؛ در داخل خانه، به زن مثل گل باید نگاه کرد. از گل باید مراقبت کرد، از طراوت او، از بوی خوش او فضا را باید معطر کرد و استفاده کرد؛ این از لحاظ عاطفی است؛ اما از لحاظ حقوق یکسان اند. این هم یک نقطه در این منشور.»

۶ مسئله مادری

«یک مسئله بسیار مهم، ارزش معنوی مادری است. مادری افتخار است. امروز من می بینم بعضی ها به تبع همان سیاست هایی که اشاره کردم، یعنی سیاست های سرمایه داران و استعمارگران و بدخواهان جوامع مستقل، به خصوص جامعه ما مادری را بد تصویر می کنند؛ اگر کسی بگوید فرزندآوری برای خانواده ها لازم است، طعنه می زنند، مسخره می کنند که شما زن را برای بچه می خواهید، برای فرزندآوری می خواهید. مادری یک افتخار است؛ اینکه شما یک موجود انسانی را با زحمت زیاد، چه در درون خودتان، چه در بیرون، در اوایل زندگی اش پرورش بدهید، زحماتش را تحمل کنید، او را به عنوان یک انسان پرورش بدهید، افتخار کوچکی است؟ این خیلی با اهمیت است، خیلی با ارزش است. برای همین هم هست که در اسلام، روی مادر تکیه شده است.»

۵ معاشرت و ارتباطات

«یک نقطه دیگر در این منشور این است که زن و مرد از لحاظ ارتباطات معاشرتی، محدودیت هایی دارند؛ این جزو خصوصیتی است که اسلام روی آن تکیه دارد. البته این بی بندوباری هایی هم که امروز در غرب وجود دارد، همیشه نبوده؛ این ها مال عصر جدید است؛ شاید دو قرن پیش، سه قرن پیش، انسان وقتی می خواند بعضی از کتاب ها را، بعضی از زمان های مربوط به قرن ۱۸ را، قرن ۱۹ را و توصیف زن اروپایی را انسان آنجا مشاهده می کند، می بیند ملاحظات زیادی وجود داشته که امروز آن ملاحظات در بین غربی ها نیست. اسلام روی این ملاحظات تکیه دارد؛ اسلام روی مسئله حجاب، مسئله عفاف، مسئله نگاه تکیه دارد. این هم یکی از خصوصیتی است که در این منشور باید بیاید.»

● استفاده از رنگی متفاوت و خاص در این روز.
معمولاً در دیدارها از رنگ هایی چون سبز و آبی
و قهوه ای روشن استفاده می شود.● در حاشیه این دیدار خانه کودک نیز
برپا بود.● الهه منصوریان، قهرمان ووشو بانوان المپیک،
در این دیدار حضور داشت.

● هم در این دیدار

این خانه روشن به آیات نور است

روایتی از مرکزی که سال‌هاست حافظ و مدرس قرآن تربیت می‌کند



● زهرا زنگنه اولش مرکز کوچکی بود در کوچه هفت پیچ سبزواری که چهارده سال بعد سر از کوچه‌های خیابان سراب مشهد در آورد. از شهری به شهر دیگر آمد، امانه‌مدبرش عوض شد و نه شیوه‌کارش، شیوه‌ای که راه حک شدن آیات کلام الهی بر روح و جان علاقه‌مندان این راه را نشان می‌داد. حالا چهار سال است که مرکز بیت الحفاظ حضرت نرجس^(س)، دل‌های علاقه‌مندان به حفظ قرآن را در جایی در جوار حرم حضرت شمس الشموس^(ع) روشن می‌کند.

کارم شد حفظ قرآن

داستان فعالیت مرکز بیت الحفاظ حضرت نرجس^(س) از چهارده سال پیش شروع شده، اما فاصله مدیر آن، اعظم السادات برغمندی و ورودش به دنیای حفظ قرآن خیلی پیش از آن رقم خورده است؛ از همان روزی که در سبزواری معدلش از دو خواهر دیگرش بیشتر شد و مادر پرسید چه جایزه‌ای می‌خواهی؟ دوست داری کلاس حفظ ثبت نامت کنم؟ و این شد شروع راهی که آینده‌اورا ساخت: «حدود پانزده سالم بود. حفظ قرآن را در یک مؤسسه قرآنی شروع کردم و تا آخر تابستان همان سال حفظ دو جزه را تمام کردم. اول مهر شد و به مدرسه رفتم. خانم عطایی معلم پرورشی مدرسه و مدیر دارالقرآن آموزش بود و وقتی علاقه‌ام را دید، کمکم کرد. وارد مسابقات حفظ قرآن دانش‌آموزی شدم و کسب مقام اول انگیزه‌ام را خیلی بیشتر

با اجاره یک زیرزمین شروع کردم

حدود هجده سالگی مربی آموزش حفظ قرآن شد و کمی بعد در مرکز عالی تربیت قرآن کل کشور آزمون داد. هنوز خودش در حال تحصیل برای گرفتن دیپلم بود که برای تدریس قرآن کریم به دانشگاه تربیت معلم سبزواری دعوت شد. کلاس‌هایش شلوغ‌تر از بقیه بود. چون به آموزش روخوانی قرآن اکتفا نمی‌کرد و روح و جان آیات را با بیان ترجمه و تفسیر آن به دانشجویان می‌آموخت. اما همکاری‌اش با دانشگاه آن‌طور که دلش می‌خواست پیش نرفت و همین موضوع او را به سمت گرفتن یک تصمیم بزرگ در زندگی‌اش برد: «سال ۱۳۸۹ بود که تصمیم گرفتم مؤسسه خودم را راه‌اندازی کنم و با روش‌هایی که می‌خواستم، قرآن را به علاقه‌مندان بیاموزم. با گرفتن یک وام حمایتی و اجاره یک زیرزمین شروع کردم. خدا گام به گام

کرد. دیگر کارم شد حفظ قرآن. آن قدر که تابستان بعدی سیزده جزه را حفظ کردم، «آیه‌های قرآن و سوره‌های همه لحظات یک سال بعد اعظم السادات را پر می‌کنند تا اینکه نوبت به ازدواجش می‌رسد: «هنوز دیپلمم را نگرفته بودم و هجده سالم تمام نشده بود که ازدواج کردم. برای حفظ دیگر جزه‌ها کمی فاصله افتاد، اما هیچ سدی مانع راهم نشد. نه طی کردن فاصله سبزواری تا مشهد، نه رفت و آمدهای زیاد در شب و روزهای سرد و گرم، نه مادری برای دوپسرش و نه هیچ عامل دیگری او را از مسیرش دور نکرد. بعد از تولد اولین فرزندش هفت جزه را تثبیت کرد و بعد از به دنیا آمدن دومی همه‌سی جزه‌پر ذهن و روحش ثبت و ضبط شد: «برای شرکت در دوره‌های آموزش حفظ قرآن به مشهد می‌آمدم. پای درس اساتید تراز اول کشور و دارالقرآن حرم حافظ کل شدم. با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شدم، اما برای تحمل همه سختی‌ها به خدا و کلامش پناه می‌بردم. تنها مونس و همدم آن روزهای من قرآن بود.»

شیوه حفظ در این مجموعه، دوره‌های چهار روزه‌ای است که به آن چله می‌گویند. هر کدام از قرآن آموزان در این چله‌ها متناسب با توانشان جزء‌هایی از قرآن را می‌آموزند و در دوره‌ای حدود یک سال تا یک سال و نیم حافظ کل قرآن می‌شوند. این دوره برای بعضی کمتر و برای بعضی بیشتر طول می‌کشد. اما این همه چله‌ها، یکی با بقیه فرق دارد و آن چهل روزه‌ای است که بچه‌ها هم‌زمان با ماه مبارک رمضان مهمان کربلا و نجف بیتوته می‌کنند و درس و کلاسشان را هم با خود به آنجا می‌برند.

در این مرکز دوره‌های تکمیلی برای تثبیت و ایجاد آمادگی شرکت در آزمون‌های سازمان تبلیغات و دریافت مدرک لیسانس از وزارت علوم و تحقیقات برای حفظ سال دوم برگزار می‌شود؛ دوره‌هایی که شامل علوم تفسیر، علوم عربی، علوم حدیث و علوم قرآن است. آموختگان مرکز بیت الحفظ حضرت نرجس^(س) پس از اتمام دوره، علاوه بر تدریس در این مرکز و مراکز دیگر، می‌توانند از سهمیه حفظ قرآن برای ورود به آموزش و پرورش اقدام کنند و یا اینکه ادامه تحصیلات خود را در دانشگاه‌های فرهنگیان بدون آزمون ورودی ادامه دهند.

هم‌زیستی با فرهنگ‌های مختلف

آیه شیخی دختر بیست و سه ساله‌ای است که از لاذقیه سوریه آمده است تا دوره حفظ قرآنش را تکمیل کند. در وطنش داروسازی خوانده و پس از گرفتن مدرک سراغ علاقه‌اش یعنی حفظ قرآن آمده است. پس از آشنایی با این مرکز، با هشت نفر از دوستانش برای تکمیل دوره حفظ به اینجا آمده است. نوزده جزه را در وطنش حفظ کرده و در این چهار ماهی که در این مرکز بوده، هشت جزه دیگر به محفوظاتش اضافه کرده است. او که دست و پا شکسته فارسی حرف می‌زند، به ما می‌فهماند که به نظرش نزدیکی به حرم امام رضا^(ع) بهترین ویژگی این مرکز است.

زینب بیلیجی قرآن آموز دیگری است که اصالت ترکیه‌ای دارد، اما متولد قم است. بیست سال پیش در خانواده‌ای متولد شده است که پدر و مادر به حفظ قرآن علاقه داشته‌اند و دخترشان نیز همین راه را انتخاب کرده است. او که فارسی را بهتر از آیه صحبت می‌کند، می‌گوید: «در ایران فقط سه مرکز شبانه‌روزی حفظ قرآن برای خواهران وجود داشت؛ یکی در مشهد و دو تا در شیراز. من هم یادگیری عربی را در قم شروع کرده بودم، اما برای ادامه حفظ قرآن به اینجا آمدم. دوست دارم در آینده حافظ کل شوم و در یکی از شاخه‌های قرآن مثل تفسیر و صوت و لحن فعالیت کنم.»

به نظر زینب، نقطه قوت مرکز بیت الحفظ حضرت نرجس^(س) نظم حاکم بر آن و حضور اساتید مجرب است؛ اساتید متبحری که بیشترشان در سازمان تبلیغات و حرم فعال هستند و در همین مرکز هم دوره‌های آموزشی مختلفی را می‌گذرانند تا روز به روز پیشرفت کنند. اما مونس شاکری که یکی از قرآن آموزان مشهدی اینجاست، نظر دیگری دارد و نقطه تمایز و قوت این مرکز را چیز دیگری می‌داند: «من حفظ قرآن را در مرکز شبانه‌روزی دیگری در مشهد شروع کردم، ولی به دلیل وضعیت نامطلوب آنجا، دوره را ناتمام گذاشتم و امسال به اینجا آمدم. برخلاف آن مؤسسه، در این مرکز کیفیت مهم‌تر است تا کمیت حفظ آیات. از طرفی، اینجا پس از هر چله می‌توانیم در آزمون سازمان تبلیغات شرکت کنیم و مدرک بگیریم و لازم نیست تا حفظ کل صبر کنیم که این برای بسیاری از ما انگیزه می‌شود.»

راهی که به مشهد رسید

انتخابات هیئت مدیره تشکل‌های قرآنی استان در سال ۱۳۹۶ برگزار شد و اعظم‌سادات برغمندی به‌عنوان دومین نفر انتخاب شد. بار و بندیل زندگی را جمع کرده به مشهد آمد. کمی بعد هم مسئولیت طرحی را پذیرفت که برای حفظ قرآن در حرم مطهر ناتمام بود و با سر بلندی از آن بیرون آمد.

مدیرمسئول مرکز بیت الحفظ حضرت نرجس^(س) به مشهد آمد، اما چراغ مجموعه‌اش در سبزوار همچنان روشن بود تا اینکه کرنا رسید. دوری از شهرش و البته شیوع این ویروس این مرکز قرآنی را ماندن بسیاری دیگر از مراکز آموزشی به تعطیلی کشاند. اما برغمندی نور این مرکز را دوباره در سال ۱۴۰۰ در مشهد الرضا^(ع) روشن کرد: «یک سایت راه‌اندازی کردیم و برای ثبت نام قرآن آموزان در سطح بین‌المللی فراخوان دادیم. اولین سال را با بیست نفر به صورت شبانه‌روزی شروع کردیم. سال دوم چهل نفر و سال سوم ۱۵۰ قرآن آموز برای گذراندن دوره حفظ داشتیم.»

مرکز بیت الحفظ حضرت نرجس^(س) در این سال‌های فعالیت در مشهد دوره‌های حفظ قرآن را در مکان‌های مختلفی مثل زائرشهر رضوی برگزار کرده است تا اینکه اردیبهشت امسال ساختمانی در خیابان سراب کاشانه‌اش می‌شود: «امسال چهارمین سال فعالیت مادر مشهد است. دویست قرآن آموز از همه استان‌ها و کشورهایمانند سوریه، ترکیه، هند و افغانستان و البته شهرهای مختلف ایران به صورت شبانه‌روزی در دوره‌های چهل روزه جزء‌های قرآن را یک‌به‌یک حفظ می‌کنند.»

حدود ۲۳۰ دختر جوان بین ۱۸ تا ۲۴ سال، تیرماه امسال در یک دوره مقدماتی شرکت کردند تا هم دوری از خانواده و شرایط این مرکز را تجربه کنند و هم خودشان و توانایی‌شان ارزیابی شود: «چله اول دوره مقدماتی بود که با حفظ جزء پانزدهم شروع شد. هر کس در حد توانش در روز بین نیم تا دو صفحه را حفظ می‌کرد، توانمندی‌ها سنجیده شد و اساتید و پشتیبان‌ها هم کنارشان بودند. بچه‌ها غریبال شدند و این دویست نفر انتخاب نهایی بودند.»

نیاز به زندگی قرآنی و آدم قرآنی

اعظم‌السادات برغمندی اعتقاد دارد کسی که اراده کرده است این تجربه شیرین را داشته باشد، نباید فقط با سرعت قرآن را حفظ کند و بعد به فراموشی بسپارد. آیات باید در ذهن فرد تثبیت شود تا بتواند در آزمون‌ها موفق باشد. موضوع مهم بعدی هم که او بسیار بر آن تأکید می‌کند، فهم مفاهیم آیات و جاری شدن آن در زندگی فرد است: «جامعه ما فقط به حفظ قرآن نیاز ندارد. جامعه ما زندگی قرآنی و آدم قرآنی می‌خواهد، وگرنه با دستگاه‌های به روزی که وجود دارد، قرآن کریم به صورت کامل و بدون هیچ خطایی ثبت و ضبط شده و از تحریف در امان است. بنابراین، ما هم در روش آموزشی

خود به این موضوع بسیار توجه کرده‌ایم. بچه‌ها در مرحله اول روخوانی و روان‌خوانی با لهجه عرب و همچنین تجوید صحیح قرآن را می‌آموزند که داشتن نشانی درست گنج است. تا آن رانیا می‌آموزیم، حتی خواندن نمازمان هم ایراد دارد و چنین نمازی در ما تأثیر نخواهد داشت. در هنگام حفظ آیات هم در ابتدا با ترجمه آیه شروع می‌کنند تا مفاهیم آن را یاد بگیرند.»

مدیرمسئول مرکز بیت الحفظ حضرت نرجس^(س) حالادر آستانه چهاردهمین سال فعالیت مجموعه‌اش از فراز و فرودهای زیادی گذشته است: «خدای متعال همیشه کمک کار ما بوده و هست و گره‌ها را باز کرده است. ثبت نام قرآن آموزان به صورت بورسیه و رایگان است. تأمین هزینه‌هایی مانند حقوق کارکنان، اجاره ساختمان، خورد و خوراک بچه‌ها و... با همت و کمک خیرانی تأمین می‌شود که در کنار ما هستند.»



واقف تمام عیار

گفت‌وگو با مادر شهیدی که تمام زندگی خود را وقف کرده است



لیلا لاریجه ا دو سال پیش که برای مصاحبه خانه‌اش رفتم بهانه گفت و گوی مامسجدی نیمه ساز بود که تمام هم و غم او این بود که هر چه زودتر مسجد ساخته شود تا قالی‌های لول شده گوشه خانه‌اش را ببرد آنجا پهن کند و به آرزویش برسد و نمازی در آن مسجد اقامه کند. همان زمان قول گرفت که بعد از ساخت مسجد هم با او مصاحبه‌ای کنیم و حالا مه مسجد ساخته شده و حاج خانم به آرزویش رسیده ما هم وفای به عهد کردیم. این روزها درد و بیماری در آستانه هشتادسالگی توانش را گرفته است، اما او همچنان همان زن مقاومی است که نسبت‌های زیادی می‌توان به او داد. نسبت‌هایی همچون یک زن انقلابی، مادر یک شهید، مادر یک جانباز و یک زن واقف که هر چه از مال دنیا داشته، بخشیده است.

فاطمه قاسم‌خانی، متولد سال ۱۳۲۰ است، او بعد از ازدواج از مشهد راهی تهران می‌شود و بیش از سی سال در این شهر زندگی می‌کند و مادر دودختر و دو پسر می‌شود. «ازدواج که کردم با همسر عباس آقا، راهی تهران شدیم. ۳۴ یا ۳۵ سال آنجا زندگی کردیم. پانزده سال بود که مادر شدم و خدا دخترم را به من داد. خاطر هست که ایام انقلاب هم تهران بودم و آن زمان با پسر علی‌رضا که طلبه شهید است، با هم در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردیم و توزیع اعلامیه و شب‌نامه انجام می‌دادیم. خیلی انقلابی بودم و یک دقیقه در خانه نمی‌ماندم. با خانم‌های محله روی پشت‌بام‌ها می‌رفتیم و شعار می‌دادیم و برای اینکه ساواکی‌ها ما را پیدا نکنند، از این خانه به آن خانه می‌رفتیم. مایک تیم دانشجویی بودیم و همراه هم در تظاهرات شرکت می‌کردیم.»

✳ با من همراه شو

حضور در انقلاب و نقش‌آفرینی در این زمینه آن قدر برای او مهم می‌شود که حتی ادامه زندگی‌اش را هم مشروط به این فعالیت‌ها می‌کند. «ساواکی‌ها متوجه شده بودند که فعالیت‌های انقلابی داریم و بارها ما را تهدید کرده بودند ولی به حرف‌ها و تهدیدهای آنان اعتنایی نمی‌کردم. از جان فداهای انقلاب بودم. آن قدر بحث شرکت در راهپیمایی‌ها و آمدن پای انقلاب برایم مهم بود که به همسرم گفتم یا با من همراه شو یا طلاقم را بده که شکر خدا همراهم شد و هیچ وقت مانع فعالیت‌های انقلابی من و بچه‌هایم نمی‌شد. شوهرم خدا بیامرز چند سال پیش وقتی من به اصرار خودش سفر کر بلا رفته بودم، فوت کرد. بیماری داشت و زمین گیر شده بود.»

فقط شهادت

این بانوی انقلابی هرآنچه در توان دارد برای انقلاب می گذارد و حتی در بخشی از زندگی خود به پرستاری از جانبازان انقلابی می پردازد. «آن زمان که تهران بودیم منزل ماسمت بازارچه نایب السلطنه بود. نزدیک محل اسکان امام^(ع) بودیم و با ایشان دیدار می کردیم. روحانیان زیادی به دیدار آقا می آمدند که برای آن ها سفند دود می کردیم و شعر می دادیم که روحانیان اسلام خوش آمدید به ایران. مردم خیلی با هم یکدست بودند. دخترها آرزو داشتند که با جانبازان ازدواج کنند و مردم هرچه داشتند با هم می خوردند. یک مدتی هم به بیمارستان می رفتم و برای مجروحان آب میوه می گرفتم و از آن ها پرستاری می کردم. الان هم آرزو دارم که در راه همین انقلاب شهید شوم. شهادت را خیلی دوست دارم. هیچ چیز دیگری از این دنیا نمی خواهم. به من می گفتند که تومی خواهی جوانان مردم را به کشتن بدهی! می گفتم شهادت سعادت می خواهد.»

نگو خواهر داری

بعد از سفر به مشهد، هر چند که انقلاب به پیروزی رسیده بود اما ضد انقلاب دست از سر حاج خانم و پسرش که حالا قد کشیده و طلبه ای مبارز شده است بر نمی دارند. «وقتی هم که به مشهد آمدیم چند بار ضد انقلاب پیام فرستادند و ما را تهدید کردند. نامه داخل حیاط می انداختند و تهدیدی می کردند که سر پرستان را روی قلبتان می گذاریم. ولی من توجهی نمی کردم. پسر شهیدم همیشه به من می گفت ماما یک وقت نترسی این ها ممکن است در زیر زمین بمب بیندازند یا بلایی سر شما بیاورند. ترسی نداشتند؛ فقط نگرانی من آن زمان برای دختر دانشجوییم بود. ممکن بود بلایی سر او بیاورند. برای همین همیشه به علی می گفتم که مادر جان، اگر دستگیر شدی یک وقت نگو که خواهر دانشجویی، چون ممکن است او را آزار دهند و من طاقت این که دخترم را برای شکنجه ببرند ندارم. همیشه به علی می گفتم: نگران من نباش، از چیزی نمی ترسم. فقط نگرانم که تونترسی و جاخالی نکنی چون تو را برای چنین روزهایی بزرگ کرده ام. من دنبال چنین انقلابی بودم؛ نترس. این تهدیدها حتی زمانی که پسرها و شوهرم با هم جبهه رفته بودند، باز هم ادامه داشت. شب هادر خانه را می زدند و اسم حسین، که پسر کوچک ترم است، صدامی کردند تا در اربابانم و داخل خانه بریزند. ولی من توجهی نمی کردم و پشت در داد می زدم که اگر نروید به پلیس زنگ می زنم. تا این را می گفتم، زود می رفتند. من می دانستم که اگر یک وقتی در اربابانم، بلایی سر من و دخترهایم می آورند.»

روضه های برقرار

او با تمام این تهدیدها هرگز شانه خالی نمی کند و در کنار مبارزه مسلحانه مردان خانه، خود نیز با برگزاری مجالس روضه، چراغ اسلامی که به دنبال آن بوده است روشن نگه می دارد. «البته این طور نبود که در خانه همیشه بسته باشد. در زیر زمین خانه چه زمان انقلاب و چه بعد از آن، روضه برپا بود. پانزده روز محرم هر روز صبح روضه داشتیم و هر روز صبحانه می دادیم. ایام ماه رمضان هم هر شب افطاری و سحری داشتیم و این خیابان پر از جمعیت بود. روضه ها به اسم دوازده امام^(ع) معروف بود و تا قبل از کرونا آن را برگزار می کردم. الان هم اگر دوباره شرایط خوب شود روضه ها را برپا می کنم. تا زنده هستم این روضه ها باید برقرار باشد. همین روضه هاست که می تواند مردم را هدایت کند و چراغ اسلام را روشن نگه دارد.»

مجله درست کردیم

مرور خاطرات انقلابی و رشادت های آن زمان نوری در چهره حاج خانم می تاباند. انگار خون در رگ هایش موج می زند و جانی تازه گرفته است. جانی که با نگاه به گنجینه قدیمی خانه ناگهان فروکش می کند. داخل گنجینه عکس امام خمینی^(ع)، حضرت آقا، سردار شهید سلیمانی و عکس پسر شهید است. او یک آلبوم عکس هم از فعالان انقلابی دارد. آن را در همین گنجینه و کنار تخت خود گذاشته است. «عکس همه آقایان انقلابی را دارم. پسر شهیدم همیشه می گفت ماما، عکس آقایان روحانی انقلابی را جمع کنیم و مانند مجله درست کنیم و دور تا دور روی دیوارها بچسبانیم. نمی دانست که شهید می شود. الان هم عکس ها را نگاه داشته ام. عکس همین هاست که ارزش دیدن دارد؛ چه چیزی ببینم که ارزش دیدن داشته باشد.»

کار خودم را کردم

او به دنبال ارزش هاست. هر راهی که می رود، کتابی که می خواند، کلامی که می گوید و قدمی که برمی دارد، باید منفعتی برای دیگران داشته باشد و برای آخرتش چراغی روشن کند. چراغی که بعد از فعالیت های انقلابی و تقدیم دو جوان به انقلاب، به سمت وقف می رود. «وقتی می خواستم خانه را وقف کنم با خودم گفتم که این ها کار خودشان را کرده اند. همسر کم جبهه رفته بود و جنگیده بود. پسر طلبه ام علیرضا در جبهه شرق دجله سال ۶۴ به شهادت رسیده بود و پسر کوچک ترم حسین هم جانباز ۵۵ درصدی اعصاب و روان شده است. او به جبهه کردستان می رفت. با خودم گفتم این ها برای خودشان کاری کرده اند، ولی من هنوز برای آخرتم کاری نکرده ام. زمان جنگ به خاطر دخترهایم که در خانه بودند نمی توانستم پشت جبهه بروم و دینم را ادا نکرده بودم. این شد که تصمیم گرفتم خانه را وقف حوزه علمیه کنم. تمام اموالی که وقف کرده ام از اموال خودم بوده و این طور نیست که از اموال شوهرم بوده و حق بچه ها باشد. تا جوان تر بودم خودم کار می کردم. یک آرایشگر تمام بودم و در کار خرید و فروش ملک و بساز و بفروش هم بودم و خودم درآمد داشتم.»

به نام علیرضا

اما وقف کردن خانه، یک قطعه زمین و یک مغازه برای حوزه علمیه، نیت قلبی خاصی در دل این مادر دارد. دلیلی که به پسر شهید ۲۲ ساله این خانه برمی گردد. «وقتی این خانه را می ساختیم، پسر شهیدم برگشت و به من گفت ماما جان، این خانه برای ما زیادی بزرگ است. بیا و زیر زمین را به خانم های طلبه بده که اینجا رفت و آمد کنند و درس بخوانند. تصمیمی برای این کار نگرفته بودم که پسر شهید شد و بعد از شهادت او، کل خانه را وقف مجموعه فرهنگی آموزشی برای طلاب کردم که به نام طلبه شهید علیرضا غفاریان وفائی نام گذاری شد. بعد از آن، یک مغازه و یک زمین دیگر را هم وقف حوزه کردم که به نیت ساخت درمانگاه بوده است و هنوز به ساخت و ساز نرسیده است. بعد از شهادت علی، کتابخانه او را هم به آقا علی بن موسی الرضا^(ع) هدیه کردم. الان پسر شهیدم و یکی از دخترهایم در صحن امام رضا^(ع) دفن هستند. خودم هم خواسته ام که در حرم دفن شوم.»

باید مسجد می ساختم

وقف خانه او را اراضی نمی کند، انگار که هنوز دینی بر گردن دارد. دینی که به ساخت مسجدی در حاشیه شهر مشهد ختم می شود. او برای ساخت این مسجد در منطقه خین عرب حدود ۴ میلیارد تومان هزینه کرده است. «با خودم گفتم اگر من مسجد نسازم چه کسی می سازد! تصمیم گرفتم مقدار مالی را که از من مانده است در راه خدا بدهم. مقدار پولی که داشتم آن قدر نبود که بخواهم درمانگاه یا بیمارستان بسازم، و گرنه با این هزینه های بالای درمان مد نظرم بود که در این زمینه قدمی بردارم. با این اوضاع جامعه تصمیم گرفتم قدمی برای خانه خدا بردارم. شنیده بودم بعضی از مناطق جایی برای نماز خواندن ندارند. برای تهیه هزینه زمین مسجد، مغازه و زمینی را که داشتم با مقداری از طلایم فروختم. دنبال زمینی مناسب در منطقه ای بودم که به مسجد نیاز باشد. خیلی دنبال زمین گشتم تا اینکه اطلاع دادند یک بنده خدایی زمینی در منطقه خین عرب در خیابان طرح چی رابه نیت پدر و مادرش نذر مسجد کرده است. این زمین را برای مسجد پسندیدم، اما تا آمدیم ساخت مسجد را شروع کنیم، مصالح گران شد. با مقدار پولی که بود، برای بنای مسجد آهن تهیه کردیم و دیوارها را بالا بردیم. با کمک دیگر خیران خدا را شکر بنای مسجد ساخته شد و الان در آن نماز برگزار می شود.»

او این روزها شادی اش نماز جماعتی است که در مسجد برگزار می شود، مسجدی که حالا پای آمدن به آن راحتی برای عکاسی هم ندارد.

دیدار با شما وظیفه است

خسته که می شود به گنجینه چوبی اشاره می کند تا از داخل آن برایش سر رسیدی را بیاورم. تقویم مربوط به سال ۸۸ است. نمی دانم که چه چیزی را می خواهد نشانم دهد. ورق می زند، چند صفحه را عقب و جلو می کند و دنبال علیرضا می گردد. اولین صفحه از تقویم آستان قدس آن سال عکس شهید طلبه رابه همراه این جمله از او منتشر کرده اند: «دوستان و عزیزان باید بدانید که روش و راه حرکت بر سبیل خدا را باید از درون قرآن و ژرفای نهج البلاغه و متن صحیفه و ادعیه جست. مبادا بر کسی سالی بگذرد و این کتب را مطالعه و مرور نفرماید.»

از اینکه وصیت پسرش را می خوانم خوش حال می شود. با محبت است. در تمام مدت مصاحبه من را «دختر گلم» خطاب می کند. گاهی میان صحبت ها نگاهی به عکس آقا علیرضا می اندازد و زیر لب با پسر شهیدش چیزی می گوید. حرف هایمان که تمام می شود، وقتی از در می خواهم بیرون بیایم نگاهی عمیق به من می اندازد و می خواهد که باز هم به او سرزنش. نگاهی به او که چادر سفیدش را پوشیده و روبرو به قبله نشسته است تا نماز ظهرش را بخواند، می اندازم و می گویم: «دیدار با شما وظیفه است.»

جرئت نمی‌کنیم حرفی بزنیم

روایتی از زنان کارگری که قانون‌های حمایتی را نمی‌دانند

● نیلا جانقربان | کار از آن

دست‌های فعالیت‌های اجتماعی است که زندگی اجتماعی و اقتصادی از گذشته تا به امروز به ما تحمیل کرده است. این روزها شدت تحمیل آن بیشتر شده و در خانواده‌ها نه تنها مردان بلکه زنان نیز مجبور به کسب درآمد برای تأمین هزینه‌های زندگی هستند. تأمین درآمدی که افراد را در شهرها و شهرک‌ها مجبور به پذیرش کارهایی می‌کند که هر چند عنوان کارگری دارد و قرارداد تنظیم می‌شود، اما پشتوانه حقوقی برای کارگران ندارد به خصوص برای زنان.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱، سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که بر اساس آن، شرایط و محیط کار اجتماعی بانوان باید به گونه‌ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان فراهم شود. اما با وجود تمام تبصره‌های قانونی، متأسفانه برخی از کارفرمایان به دلایلی غیرمنطقی و غیرقانونی، کارگران زن را با حقوقی کمتر از حقوق مردان به کار می‌گیرند و زنان به دلیل نیاز مالی و بیکاری، به دریافت حقوق کمتر از حداقل قانونی رضایت می‌دهند.

● مردها مدیر و زن‌ها کارگر

زن مخفیانه شماره‌ام را می‌گیرد و قرار می‌شود هر وقت زمان مناسبی برای صحبت بود، یک پیامک بدهد تا با او تماس بگیرم. حدود ساعت یازده شب روز بعد برایم پیام می‌گذارد که همین الان زنگ بزنید. زنگ می‌زنم. به جان تمام داشته‌ها و نداشته‌ها می‌دهم قسم می‌دهد که اسمی از او ننویسم و صدایش را ضبط نکنم و اینکه اگر مسبب اخراجش شوم تا عمر دارم رانفرین خواهد کرد! شروط را می‌پذیرم و با او دوباره شرایط کارش هم صحبت می‌شویم. در یک کارخانه قطعه‌سازی خودرو کار می‌کند. می‌گوید: «پنج سال است که به هر بدبختی که شده خودم را اینجا نگه داشته‌ام. سواد درست و حسابی ندارم و تا پنجم بیشتر درس نخوانده‌ام، ولی هوشم خوب است و کار با دستگاه‌ها را زود یاد گرفتم. در کارخانه ما البته سواد و توانایی و هوش اصلاً نقشی در میزان حقوق و جایگاه ندارد.

مردها بیشتر مدیر و سرکارگر هستند و ما زن‌ها کارگر. بعد باز دوباره کلی قسم می‌دهد و می‌گوید: «یک چیزی هم هست که نمی‌دانم بگویم یا نه، ولی اگر جایی درز کند حتماً بیرون می‌کنند. اینجا خانم‌های شوهردار را استخدام نمی‌کنند. نه اینکه خدای ناکرده روابط بد باشد، نه، خاک به زبانه‌م. فقط می‌گویند خانم‌های مجرد یا بدون شوهر، چون زنی که شوهر داشته باشد ممکن است باردار شود و مرخصی برود و نیروی کار کم شود. همین چند وقت پیش یکی از دخترهای اینجا با یکی از کارگران مرد ازدواج کرد و مدیر کلی لطف بهشان کرد و فقط یکی از آن‌ها را بیرون کرد. دخترتک طفلی تازه باید کار می‌کرد و جهاز جمع و جور می‌کرد که بیرونش کردند و از ترس اینکه شوهرش را هم بیرون نکنند، دیگر دنبال شکایت و این حرف‌ها نرفت. البته همیشه به ما توی کارخانه می‌گویند که یک وقت فکر شکایت نکنید که حرفتان به جایی نمی‌رسد. الکی هم نمی‌گویند. نمی‌دانم کجاها آشنا دارند که نمی‌گذارند حرف ما به جایی برسد. همین چند روز پیش یکی از همکاران آقایچه‌دار شد، بهش یک روز مرخصی دادند، گفت بر اساس قانون یک هفته باید بهش مرخصی بدهند. سرکارگر هم گفت:

● اگر حرفت به جایی

می‌رسد برو و شکایت کن. آن بنده خدا هم رفت و سرش را به کارش بند کرد.

حالا مردها هر طور هست با هم کنار می‌آیند و چون حقوق بیشتری می‌گیرند باز هم تحمل می‌کنند ولی ما زن‌ها همیشه کمتر حقوق می‌گیریم و هیچ وقت هم نباید حرفی بزنیم.»

● نمی‌دانم این‌ها قانونی هست یا نه

پیدا کردن زنی که در کارخانجات مشغول به کار هستند و مشکلاتی دارند که حاضر به گفتن آن باشند، بسیار سخت است، چرا که خیلی‌ها از ترس اخراج شدن حاضر به گفتن و گوی نیستند. کارگر خانم دیگری درباره مشکلاتی که در کارخانه دارد، می‌گوید: «شنیده‌ام که در قانون زن‌ها نباید کارهای سخت انجام دهند و بار جابه‌جا کنند، ولی ما اینجا بسته‌های پتل را باید بار چرخ کنیم و داخل سوله بعدی ببریم. هفته‌ای یک شب هم شیفت شب باید بمانیم. نمی‌دانم این‌ها قانونی هست یا نه ولی ما که جرئت نمی‌کنیم حرفی بزنیم.»

● اگر باردار بشوی دیگر اینجا برایت کاری نیست

یکی دیگر از خانم‌ها که در کارخانه بسته‌بندی کار می‌کرده و حالا به دلیل بارداری از کارخانه اخراج شده است، می‌گوید: «با شوهرم در کارخانه بسته‌بندی کار می‌کردیم. سرکارگر همیشه به شوخی می‌گفت اگر باردار بشوی دیگر اینجا برایت کاری نیست. باورم نمی‌شد و می‌گفتم تازه بعد از زایمان هم باید من را به کار بگیرند. اما راست می‌گفت. باردار که شدم به بسته‌بندی زعفران حساسیت پیدا کردم و درخواست جابه‌جایی دادم. اول موافقت کردند و به بخش اداری رفتم، ولی سه ماه بعد که قرارداد تمام شد، دیگر با من قرارداد نیستند. البته قرارداد شوهرم تمدید شد. سؤال هم کردم که اگر می‌شود شکایت کنم ولی گفتند چون قرارداد تمام شده، من حق ندارم.»

● از او می‌پرسم

آیا در کارخانه‌زنی که

بچه شیر بدهد هم داشته‌اند یا نه؟

می‌گوید: «کسی که تازه زایمان کرده باشد که اصلاً

نداشتیم. فقط یک خانم را تا زنگی استخدام کرده بودند که خودش می‌گفت بچه دوساله دارد و شیر می‌خورد، ولی به شرط اینکه بچه با خودش نیاورد با او قرارداد بسته بودند. خودش می‌گفت سفته هم گرفته‌اند که یک وقت زیر حرفش نزنند.»

● کارگران اهل شکایت کردن نیستند

با یک حقوقدان هم صحبت می‌شوم. غلامرضا حقیقی درباره پرونده‌های شکایت کارگری می‌گوید: «کارگران کلاً اهل شکایت کردن نیستند و از ترس اینکه اگر شکایت کنند دیگر جایی به کار گرفته نشوند، شکایت نمی‌کنند و دنبال حقوق خود نمی‌روند. البته کارخانه‌ها هم از بی‌سوادی کارگران و احتیاج آن‌ها به کار سوءاستفاده می‌کنند و قراردادهای کوتاه مدت و با قید و بندهایی می‌بندند که دست کارگر کاملاً بسته است. اما برای سخت‌ترین و یک طرفه‌ترین قراردادها هم می‌توان شرایطی برای حمایت از کارگر پیدا و احیا کرد.»

اوبه کارگران توصیه می‌کند: «تا جایی که می‌توانید با کارفرما کنار بیایید و کارتان را از دست ندهید. به هر حال، حتی اگر حق هم با شما باشد باز هم پیگیری‌های اداری و حقوقی وقت گیر و هزینه‌بردار است. چنانچه درباره موضوعی مشکل دارید با کارفرما صحبت کنید، یا قانع می‌شود یا شرایط تغییری نمی‌کند و شما با شرایطی که شاید با توجه به قرارداد بتوان به نفع کارگر عمل کرد، کارخانه را ترک می‌کنید که این موقعیت خوبی است. اما متأسفانه برخی

قوانینی که زنان باید بدانند

تبعیض قائل شدن میان زن و مرد در شرایط کار مساوی در قانون کار ممنوع اعلام شده است. در قوانین ایران، نه تنها قائل شدن مزایای کمتر از مردان برای زنان در ازای کار مساوی ممنوع است، بلکه برای زنان کارگر مزایای خاصی از نظر کاری و تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده است (ماده ۳۸ قانون کار).

۱ ممنوعیت زنان از انجام کارهای سخت و زیان آور

انجام دادن کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیش از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است. حداکثر میزان حمل بار برای زنان بیست کیلو است و حمل و جابه جایی بار برای زنان در طول بارداری و همچنین ۱۰ هفته پس از زایمان ممنوع است. (ماده ۷۵ قانون کار) البته ممنوعیت انجام کارهای سخت، خطرناک و زیان آور در قانون کار به عنوان یکی از شرایط کار نوجوانان نیز مقرر شده است.

۲ ممنوعیت زنان از انجام کار در شب

کار در شب با توجه به شرایط ویژه زنان از لحاظ اخلاقی، مصالح خانوادگی و اجتماعی دارای محدودیت هایی است. در این باره مقررات بین المللی ویژه ای وضع شده که در مشاغل خاصی برای زنان ممنوعیت ها و محدودیت هایی تعیین کرده اند. مثلاً مطابق مقررات بین المللی، زنان از کار کردن در کارگاه های صنعتی، خصوصی یا عمومی حداقل در ساعت ۱۰ شب تا ۵ صبح ممنوعیت دارند و برعکس در کارهای خدماتی و بهداشتی ممنوعیتی برای کار در شب ندارند. این ساعت های ممنوع شده، در مقررات کشورهای مختلف متفاوت است. در قانون سابق کار، کار شب برای زنان ممنوع اعلام شده بود، ولی در قانون جدید کار به ممنوعیت کار در شب برای زنان تصریح نشده است. ممنوعیت کار در شب برای زنان تنها در برخی از مشاغل (مثلاً کارهای صنعتی) منطقی و قابل قبول دانسته شده است. به عنوان مثال در کارهای خدماتی و بهداشتی مانند پرستاری، نیاز به کارگران زن محرز است و نباید زنانی را که مانعی برای کار کردن در شب ندارند از کار و دریافت حقوق آن محروم کرد.

۳ اعطای مرخصی به زنان باردار

در قوانین بین المللی مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن ۹۰ روز تعیین شده است ولی در قوانین ایران مرخصی بارداری و زایمان کارگرن زن شش ماه است، اما بعد از تصویب قانون تنظیم جمعیت خانواده در سال ۹۲ مدت مرخصی زایمان به ۹ ماه افزایش یافته است. پس از پایان مرخصی زایمان، کارگرن زن به کار سابق خود بازمی گردند و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزو سابقه خدمت وی محسوب می شود. اخراج زنان کارگر در دوره مرخصی زایمان ممنوع است. دوره زایمان جزو ایام تعلیق از کار محسوب می شود و پس از مرخصی کارگرن زن به کار سابق خود بازمی گردد. در یکی دیگر از مقررات حمایتی قانون گذار در ماده ۷۷ قانون کار این چنین آمده است: در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی بدون کسر حق السعی، کار مناسب تر و سبک تری به او ارجاع می دهد.

۴ کاهش ساعات کار زنان در دوران شیردهی

در راستای حمایت از مادران کارگر و کودکان و کمک و مراقبت از آن ها با توجه به شرایط خاص موجود، کارفرما مکلف است تا پایان دو سالگی کودک، پس از هر سه ساعت، نیم ساعت به مادر کارگر فرصت شیردادن بدهد. لازم به ذکر است که این ساعت ها جزو ساعات کاری محسوب می شوند، همچنین کارفرما باید مراکز برای نگهداری کودکان شیرخوار در محل کار ایجاد کند. (ماده ۷۸ قانون کار) کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و بادر نظر گرفتن گروه سنی آن ها مراکز مربوطه به نگهداری از کودکان را ایجاد کند.

۵ کاهش ساعات کار زنان دارای شرایط خاص

قانون کاهش ساعات کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص در آذر ۱۳۹۵ برای اجرا ابلاغ شد. بر اساس ماده واحده این قانون، ساعات کار هفتگی بانوان شاغل اعم از رسمی، پیمانی و قراردادی که موظف به ۴۴ ساعت کار در هفته هستند اما دارای معلولیت شدید یا فرزند زیر شش سال تمام یا همسر یا فرزند معلول شدید یا مبتلا به بیماری صعب العلاج می باشند یا زنان سرپرست خانوار شاغل در دستگاه های اجرایی و بخش غیر دولتی بنا به درخواست متقاضی از دستگاه اجرایی مستخدم و تأیید سازمان بهزیستی یا وزارت بهداشت یادگستری، ۳۶ ساعت در هفته بادر دریافت حقوق و مزایای ۴۴ ساعت تعیین می شود. همچنین سن بازنشستگی زنان پنج سال کمتر از مردان و ۵۵ سال است، اما زنانی که ۴۵ سال تمام دارند و سی سال تمام کار کرده و حق بیمه مدت مزبور را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده اند هم می توانند تقاضای بازنشستگی کنند. زنان کارگر با داشتن بیست سال سابقه کار و ۴۲ سال سن به شرط پرداخت حق بیمه هم می توانند بازنشسته شوند اما مستمری کمتری دریافت خواهند کرد.

باردار که شدم به بسته بندی زعفران حساسیت پیدا کردم و درخواست جابه جایی دادم. اول موافقت کردند و به بخش اداری رفتم، ولی سه ماه بعد که قراردادم تمام شد، دیگر با من قرارداد نبستند



از کارگران بافحاشی یا تخریب اموال کارخانه ها را ترک می کنند که این حرکت ها به نفع آن ها نیست و در صورت شکایت، کارفرما نتیجه خواهد گرفت و غرامت دریافت خواهد کرد. « این حقوقدان در ادامه می گوید: «قبول دارم که هزینه های مشاوران حقوقی بالاست، اما توصیه می کنم از وکلای فراری نباشید و حتماً قبل از هر اقدامی درباره عواقب آن سؤال کنید. کتاب ها و مطالب حقوقی خوب و در دسترس زیادی وجود دارد که حتماً آن ها را مطالعه کنید و از ظرفیت اتحادیه های کاری و نمایندگان کارگری در کارخانه ها استفاده کنید. اینکه یک نسخه از قرارداد در اختیار شما باشد، کاملاً حقوقی است، کارفرما از نظر حقوقی اجازه دریافت شناسنامه، سند خانه، چک یا سفته در قبال انجام کار را از شما ندارد و تعهدی که شما در نسخه قرارداد می دهید، کافی است. قطع ناگهانی همکاری و اخراج ناگهانی هم قانونی نیست و کارگر در این زمینه می تواند شکایت کند. کارگرانی که بدون قرارداد و بدون بیمه کار ثابت انجام می دهند، می توانند حقوق خود را مطالبه کنند. خوشبختانه قوانین کاری و دست اندر کاران در حال حاضر همراهی خوبی با کارگران دارند و نتایج خوبی برای کارگرانی که حقوق خود را مطالبه کرده اند حاصل شده است.»

دانشی راه موفقیت

گزارشی از حضور بانوان دانش‌بنیان در نمایشگاه پژوهش و فناوری

ریحانه بنازاده | فناوری از آن چیزهایی است که از نان شب هم برای زندگی امروزی واجب‌تر است و از آنجایی که مویزگی در تمام ارکان زندگی نفوذ کرده، به نظر می‌رسد که کم‌کم از نان شب هم واجب‌تر شود! نفوذ این مقوله در زندگی مانسان داده است که یک اتفاق خاص را با فناوری تجربه خواهیم کرد، تجربه‌ای که بخشی از آن را در نمایشگاه پژوهش و فناوری شاهد بودیم و در کنار زنان دانش‌بنیان بخشی از آن را برای شما نوشتیم.



پرورش خلاقیت به صورت ناخودآگاه

هر کسی با علمی و یافته‌ای آمده است. یکی کودکی خاص آورده، یکی نانی مخصوص برای بیماران دیابتی درست کرده و دیگری فناوری‌ای یافته است که به هوای پاک کمک می‌کند. نور الهدی پورعباس، دکترای مدیریت اجرایی و مدیرعامل شرکتی دانش‌بنیان، یکی از کسانی است که در حوزه محیط زیست فناوری خود را عرضه کرده است. او تولیدکننده انواع جاذب‌های نفت و هیدروکربن است و محصول جدید این شرکت جاذب‌های شیمیایی است. می‌گوید: «شروع کارمان از سال ۱۳۹۰ بود. مبنای مهم و ارزشی کار، کاهش آلودگی‌های محیط زیست بوده است. دوست داشتیم زمین برای آیندگان هم جایی برای زیست داشته باشد و حتی بهتر از قبل به آیندگان تقدیم شود. سعی و خطا و مهندسی معکوس برای شروع لازم بود تا توانستیم با نمونه‌های تولید شده و در اختیار گذاشتن آن‌ها به شرکت‌های مختلف، آزمایش خود را به بهره‌برداری و همچنین ارتقا برسانیم. یک سال از پرده‌برداری ایده و آزمون و خطا گذشت تا به مرحله اجرا رسیدیم. این محصولات شامل بوم جاذب، پد جاذب، گرانول، بالشتک جاذب و... است. کاربرد این محصولات در مکان‌هایی است که آب مخلوط با هیدروکربن یا نفت یا روغن باشد. استفاده از این محصول برای آلودگی‌های مناطق صنعتی مثل پالایشگاه‌ها، بنادر و لنگرگاه‌هاست. زیرا نشستن روغن، بنزین و... برای اکوسیستم مضر است. از طرفی چون خروجی پالایشگاه‌ها آب است و به رودخانه و دریا سرازیر می‌شود، باید آلودگی‌های آن به وسیله این پالت‌ها کاملاً گرفته شود. صفر تا صد این تولیدات داخلی است و نیاز به وارد کردن هیچ ماده خارجی نمی‌باشد.»

او درباره فعالیت زنان و مادران در حوزه‌های فناورانه می‌گوید: «در خانواده‌ای که مادر فعالیتی برای تولید و اقتصاد دارد، پرورش خلاقیت به صورت ناخودآگاه در فرزندان اتفاق می‌افتد و آن‌ها هم در آینده می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی کارآمد داشته باشند.»



بازیابی توانمندی‌های زنان

فاطمه شعبانی بانوی جوان دیگری است که لیسانس مهندسی هوافضا دارد. می‌گوید: «در شرکتی دانش‌بنیان در بخش تحقیق و توسعه مشغول به کار هستیم.»

شعبانی درباره شرکت و محصول تولیدی‌شان بیان می‌کند: «محصول تولیدی ما تایم سرور است که از ماهواره‌های یک سری آنتن‌های خاص و سیگنال‌های ماهواره‌ای را دریافت می‌کنیم و دستگاه ما این سیگنال‌ها را پردازش می‌کند و قابل استفاده در مکان‌هایی است که به دقت زمانی نیاز دارند. ثبت زمان رویدادها توسط این دستگاه‌ها بسیار دقیق است.»

شعبانی درباره تلاش خود می‌گوید: «در انجمن علمی دانشگاه تلاش بسیاری کردم و بعد از آن وارد بازار کار شدم. این روند سخت بود، ولی در حال حاضر جایی که هستیم نقطه موفقیتیم است، ولی هنوز راه پیشرفت برایم بسیار است. به نظرم همیشه راهی برای بانوان توانمند وجود دارد. تنها نکته، بازیابی توانمندی‌های زنانه است که باید آن را در خودمان جست‌وجو کنیم.»



با ظرافت بیشتری نسبت به آقایان

خدیجه حسین زاده، دارای کارشناسی ارشد مهندسی مخابرات و عضو یک شرکت دانش‌بنیان است. او در حوزه مخابرات فعالیت می‌کند و در زمینه دستگاه‌های تایم سرور کار می‌کند. از سال ۱۳۹۸ کار خود را شروع کرده و در باره حضور بانوان در شرکت می‌گوید: «حدود ۹۰ درصد از کارکنان خانم‌ها هستند. چند سالی است که تلاش می‌کنم و برای موفقیت در کارم با دقت و تمرکز به جلو حرکت کرده‌ام و اطمینان دارم به موفقیت‌های بیشتری خواهم رسید. خانم‌ها در حوزه‌های کاری مختلفی که فعالیت دارند، با ظرافت بیشتری نسبت به آقایان می‌توانند کار کنند چون جزئی‌نگر و ریزبین هستند. البته که من قصد ندارم بگویم این حرفه زنانه یا مردانه است، می‌خواهم بگویم که ضرورت دارد خانم‌ها هم در عرصه فناوری وارد شوند چون گروه‌های خانه را که با دانش حل می‌شود خانم‌ها می‌شناسند و به آن‌ها احاطه دارند.»

پرونده

- ...
- ...
- ...
- ...
- ...

با اجازه بزرگترها اما...

پرونده‌ای درباره شروط ضمن عقد که خیلی‌ها به آن توجه نمی‌کنند

شروط های عروس خانم

- هر چه خواه گفت آقا بگیرد چشم ✓
- هر وقت آقا داماد خانه دار شد، بزند به نام عروس خانم ✓
- ~~بچه دار شدن ممنوع~~ ✗
- آقا باید برای سفر از خانواده همسر اجازه بگیرد ✓
- هر چی از زمان تولد تا حالا داشتی، برای عروس خانم ✓

سفر، آن هم!.....

داشتی یا آقا.

سفلد به خانه مطوع.

مرکز.

ی توله سنگم رو هم بپذیر.

روایت‌هایی تلخ و شیرین از زنانی که می‌خواستند با دو دوتا چهارتا، عقدشان را محکم‌تر کنند

بله‌های مشروط



آزاده خلیلی معمولاً این‌طور است که روزهای خوش‌آشنایی می‌گذرد و نه عروس و داماد و نه بزرگ‌ترها به روزهای پیش‌رو سال‌های بعد فکر نمی‌کنند. همه می‌خواهند به رسم قدیم، زودتر وصلت را جوش بدهند و دو جوان را به خانه بخت بفرستند. خانه‌ای که برای استحکام چهار دیوارش به اندازه عشق به منطق هم نیاز دارد. زیرعشق شاید کم‌رنگ شود، اما عقل و منطق همیشه پابرجاست. عقل و منطقی که می‌گوید، گاهی اوقات برای قرار نگرفتن در بن بست چه کنیم، جنگ اول به از صلح آخر است. شروط ضمن عقد نه اینکه جنگ باشد، اما دودوتا چهارتایی است که کمک می‌کند زوج‌ها با چشم باز درباره آنچه از زندگی می‌خواهند و نمی‌خواهند حرف بزنند و فردای زندگی مشترک حس اجاف بیخ‌گلوئی خوشبختی‌شان را نگیرد.

شرط و شروطی که اختلاف آورد

همه چیز از شروط ضمن عقد شروع شد. البته که دوتا خانواده از قبل خیلی هم با هم خوب نبودند و مراسم بله‌برون، برایشان مثل میدان جنگ بود، اما تا من اسم شروط ضمن عقد را آوردم انگار آتش زیر خاکستر روشن شد. حقیقت توی آن مراسم تنها کسی که حق حرف زدن نداشت، من بودم. انگار نه انگار عروس هستم و صحبت سر زندگی من است. بزرگ‌ترها دوست داشتند خودشان ببرند و بدوند که من یک مرتبه، حرف شروط ضمن عقد را پیش کشیدم و حق شغل و حق تحصیل خواستم. انگار کفر گفته باشم، مجلس به هم ریخت. هر چند، چند وقت بعد با سلام و صلوات عقد کردیم، اما از همان روز، خانواده شوهرم از من دلخور بودند و تا سال‌ها معتقد بودند که من سرشان کلاه گذاشتم.

شرط‌هایی که به کار نیامد

برای ازدواج کلی امیدوار بودم. ما چندتا رفیق بودیم که به فاصله یکی دو سال ازدواج کردیم. موقع عقد هر کدام شرط و شروطی برای داماد گذاشتند. یکی عروسی آن چنانی می‌خواست، یکی خانه، رفیقی داشتیم که سرش دردمی کرد برای ما چرا و گفته بود که داماد باید مهاجرت کند. من هم می‌خواستم از شان کم‌نیارم این است که گشتم دنبال چند شرط خیلی سخت، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را ردیف کردم. او هم قبول داد، اما وقتی اختلاف پیدا کردیم هیچ کدام به دردم نخورد. وکیل گفت به جای این بچه‌بازی و چشم‌وهم‌چشمی، چرا یک نگاه به حق و حقوق قانونی که داشتی، نکردی؟! راست می‌گفت خیلی خام بودم و تازه آنجا فهمیدم که می‌توانستم شرط‌های منطقی و عادلانه‌ای برای زندگی بگذارم، اما دیگر دیر شده بود.

مادرم گفت آبرویمان می‌رود

شاید باور نکنید، اما خانواده خودم مخالف بودند. وقتی برای شروط ضمن عقد حق طلاق را خواستم، مادرم می‌خواست بزند توی گوشم. گفت این حرف‌ها شگون ندارد. زبانت را ببور، حالا شمامی خندی، اما او از عصبانیت نزدیک بود، غش کند. بعد هم گریه کرد و گفت نمی‌گذارم توی فامیل آبرویمان را ببری. داماد از اقوام دورمان بود. با همه بزرگ‌ترهای فامیل صحبت کردم، هیچ‌کس به حرف من گوش نکرد و اصرارهایم به نتیجه نرسید. من هم مجبور شدم، سکوت کنم، اما چند وقت بعد که به خاطر اعتیاد دنبال طلاق بودم، همگی پشیمان بودند که چرا این حق را از من دریغ کردند. چند سال از عمرم بی‌خود از دست رفت.

اعتماد بی‌جا کردم

خانواده شوهرم شروط ضمن عقد را نپذیرفتند. من روی پنج مورد اصرار داشتم، اما انگار برای آن‌ها سخت بود که زن حق و حقوقی هم داشته باشد. مثلاً تحصیل کرده هم بودند. خلاصه از ما اصرار و از آن‌ها انکار. نزدیک بود وصلت به هم بخورد، شوهر من گفت زبانی قول می‌دهد و من هم اعتماد کردم. اول گذاشت درسم را ادامه بدهم بعد هم که توی زندگی بددل بود. به اصرار که پیش مشاور رفتیم، معلوم شد ریشه مشکلش در روانش است و به من نگفته بودند که بیمار است. حتی پرونده هم داشت. بار اول که کتک خوردم، تصمیم را برای جدایی گرفتم، اما چند سال دویدم تا توانستم بیماری‌اش را ثابت کنم و طلاق بگیرم. اعتماد بی‌جا کار دستم داد.

بزرگ‌ترها دوست داشتند خودشان ببرند و بدوزند که من یک مرتبه، حرف شروط ضمن عقد را پیش کشیدم و حق شغل و حق تحصیل خواستم. انکار کفر گفته باشم، مجلس به هم ریخت

برای روز مبدا

از من به شما نصیحت، کوتاه نیایید. هر دختری توی فامیل ما به هزار مصیبت شروط دوازده گانه را توانست بگیرد. انگار عهدنامه ترکمنچای است. من هم کلی فکر کردم و آخر مهریه ام را یک سکه گرفتیم و عوض سه شرط را با وکالت محضری گرفتیم. حق طلاق، حق حضانت فرزند و خروج از کشور. به نظر من این طور حقوقمان توی ازدواج برابر می‌شد. من شاغل بودم. او هم شاغل بود. هر دو قرار بود برای زندگی تلاش کنیم. تازه من حق تصنیف اموال را نخواستیم. وگرنه حق هر زنی است که به اندازه مرد توی زندگی سهم داشته باشد. من این‌ها را از شوهر خواستم او هم پذیرفت. خانواده هر دو طرف هم از این کار مطلع بودند. پدر شوهرم گفت این طوری فامیل می‌گویند عروستان از همین حالا به فکر جدایی است؟ پدرم گفت: بگویند که برای روز مبدا است. ان شاء... که هیچ وقت استفاده نکنند. تا حالا هم که خدا را شکر، کار به جاهای باریک نرسیده است.

همسرم پیش قدم شد

سمن کم بود که نامزد کردم، اما دوست داشتم درس بخوانم. شوهرم هم همراه بود، اما توی فامیلشان رسم نبود. زن تحصیلاتش از مرد بیشتر باشد. او هم مرد بازار بود و می‌گفت بیشتر از دیپلم به کارش نمی‌آید. من مدام دلشوره داشتم که نکند وقتی برویم سر خانه و زندگی مان نظرش عوض شود یا خانواده‌اش سرزنشمان کنند. راستش از شروط ضمن عقد هم خبر نداشتم. بعد از نامزدی، وقتی که می‌خواستیم عقد رسمی بگیریم، خودش بحث شروط ضمن عقد را پیش کشید و همه را امضا کرد. از حق تحصیل تا سفر و شغل. گفت این طوری کتبی هم اعلام می‌کنم عاشق موفقیت همسرم هستم. هیچ کس روی حرفش حرف نزد من هم دلم گرم شد.

یک زن و این همه حق

خواهر داماد مخالف بود. می‌گفت چطور این همه حق و حقوق به دختر بدهیم. اصلاً ما نخواستیم. یکی آمد وسط را بگیرد گفت حالا همه این‌ها را امضای کنند و طوری نیست. بماند که بعدها فهمیدم این امضاچندان هم ارزش قانونی ندارد. مهم و وکالت مرد است. اصلاً شما به من بگو کی اینجا حق را به زن می‌دهد؟ من می‌گویم هیچ کس. همین شرط و شروط برای خیلی‌ها سخت است. پسر هم بخواهد. خانواده‌اش نمی‌گذارند. آخرش هم که پاش بیفتند و خدای نکرده بروی دادگاه ضمانتی ندارد. ما که آن روز کوتاه آمدیم، چون مادرم گفت دیگر همه کارها ایمان را کرده ایم و خوبی ندارد، اما هنوز دلم از حرف خواهر شوهرم چرکین است.

می‌خواست برای با هم بودن تلاش کنیم

هم دانشکده‌ای بودیم وقتی آمد خواستگاری، پدرم به رسم فامیل ازش ملک خواست. چیزی که نداشتم، بابام گفت برو هر وقت داشتی بیا. شرطی که می‌دانید با شرایط امروز بعید بود. می‌گفت پدرت سنگی انداخته جلوی پایم که رستم هم نمی‌تواند برش دارد. رفتیم چند جامشورت، آخر یکی از مشاوران، درباره شرایط ضمن عقد گفت. رفتیم با محضر دارو وکیل هم صحبت کردیم، فهرست را که جلوی پدرم گذاشتیم و گفت برای همه‌شان وکالت قانونی می‌دهد. کوتاه آمد، گفت آفرین، می‌خواستیم ببینم برای با هم بودن تلاش می‌کنید یا نه.

حقی که باید درباره‌اش مطلع باشیم

وقتی آمدند خواستگاری، پدرم گفت فقط ایمان و روزی حلال. من هم برایم مهم بود خوش اخلاق باشد و حقیقت خیلی هم شبیه هم بودیم. هم خودمان هم سطح خانواده‌هایمان. این است که ازدواجمان زود جفت و جور شد. وقت عقد پدر شوهرم که وکیل بود، خودش یکی یکی شروط ضمن عقد را خواند و برایم توضیح داد. خدا خیرش بدهد، همه می‌خندیدند که نکند پدر عروسی یادشمن داماد! اما ایشان کوتاه نیامد، گفت باید همه را بخوانند و حق و حقوقشان را بشناسند، حالا خواستند درخواست بدهند یا نه خودشان می‌دانند. من هم چون یکی یک دانه خانواده بودم، حق مسکن خواستم. بماند که چند سال بعد خودم گفتم برویم یک شهر دیگر رفتیم و خیلی هم برایمان خوب شد.

هرچه شرایط قبل از ازدواج شفاف‌تر شود استحکام قانون خانواده بیشتر خواهد بود

شروطی برای تنگنای قانونی

از توافقات اولیه به عنوان شرط ضمن عقد ازدواج بوده که به نحو مجزا از سند ازدواج تنظیم شده و کاملاً معتبر و لازم‌الاجراست. هر شرطی که اوصاف صحت را داشته باشد ولو اینکه در متن تاپپی سند ازدواج درج نشده باشد، امکان‌پذیر و قانونی است.

❖ **کاربرد حقوقی شرط ضمن عقد چیست؟**
الزام آور شدن و رسمیت یافتن خواسته‌های طرفین است.

❖ **به نظر شما زوج و زوجه چه شروطی را بهتر است به عنوان ضمن عقد مطرح کنند؟**
از نظر حقوقی هر شرطی که دارای شرایط صحت، مشروع، مقدور و نفع‌عقلایی داشته باشد و خلاف مقتضای ذات عقد نباشد، می‌توان شرط کرد. ولی از نظر عرفی اساساً تعیین شروط در هر موردی با مورد دیگر متفاوت است. ممکن است برای زوجه‌ای حسب شرایط تحصیلی و شغلی، شرط اجازه خروج از کشور اهمیت داشته باشد و برای دیگری شرط انتخاب محل سکونت اولویت داشته باشد. برای زوجی شرط نبود اشتغال زوجه اهمیت داشته باشد و برای زوج دیگری شرط نداشتن فرزند مهم باشد. تعیین شروط مصداقی است نمی‌توان این شروط را به همه زوجین به نحویکسان تعمیم داد.

❖ **یعنی به طور کلی فهرستی وجود ندارد و خودشان می‌توانند فهرست تهیه کنند؟**
فهرستی وجود ندارد. هر شخصی متناسب با موقعیتی که دارد می‌تواند شروط مورد نظرش را در هنگام ازدواج مطرح کند و حتی در مذاکرات مقدماتی طرفین می‌توانند فهرستی از شروط تهیه و به یکدیگر پیشنهاد دهند. بدیهی است پس از به توافق رسیدن نسبت به شروط پیشنهادی در هنگام عقد ازدواج این شروط را در سند ازدواج یا طی سند رسمی دیگر درج کنند.

❖ **بهترین شرط از نظر شما به عنوان یک حقوقدان برای زوجه چیست؟ خیلی‌ها معتقد هستند قانون نصف کردن اموال از بهترین شروط است، قبول دارید؟**
قبلاً عرض کردم شروط بسته به شرایط و وضعیت خاص زوجه دارد و نمی‌توان گفت چه شرطی یا

❖ **از آنجایی که قرار است درباره شروط ضمن عقد صحبت کنیم لطفاً یک تعریف از این شروط بفرمایید و اینکه چه تفاوتی با مهریه و دیگر اسنادی دارد که در زمان عقد ثبت و امضا می‌شود؟**

شروط ضمن عقد متشکل از سه کلمه شرط جمع شرط، ضمن و عقد است. شرط در لغت عبارت است از التزام به چیزی، وقتی این التزام در ضمن عقد قرار بگیرد به آن شرط یا شروط ضمن عقد گفته می‌شود. به تعبیر ساده‌تر، شروط عبارت است از تعهدات الزام‌آور طرفین یا یکی از آنان در هنگام عقد. این تعهدات ممکن است ضمن عقد ازدواج هم باشد. اما مهر عبارت است از مالی که به مناسبت عقد ازدواج، زوج ملزم به پرداخت یا انجام آن برای زوجه می‌شود. اساساً مهر و شروط ضمن عقد دو مقوله منفک و با تعاریف مجزا از یکدیگر در مبحث حقوق خانواده هستند. از جمله تفاوت‌های عمده‌ای که بین مهر و شروط ضمن عقد وجود دارد موضوع تکلیف به تملیک مهر به زوجه است. این تکلیف ناشی از حکم شارع و قانون‌گذار است. به همین دلیل اگر طرفین در هنگام ازدواج درباره مهر سکوت کنند یا توافقی نداشته باشند این تکلیف از زوج ساقط نمی‌شود و حسب مورد، زوج ملزم به پرداخت مهر المثل یا مهر المته می‌گردد. ولی شروط ضمن عقد ریشه قراردادی دارد و ناشی از توافقات طرفین عقد است. اگر متعاقباً (زوجین) در ضمن عقد شرطی قرار ندهند یا بشوند دیگر تکلیفی برای آنان ایجاد نمی‌شود. تفاوت دیگر شروط ضمن عقد با مهر این است که آنچه شرط می‌شود باید دارای شرایط صحت عقد باشد. وجود نداشتن آن شرایط بعضاً موجب بطلان شرط و بعضاً موجب بطلان عقد و شرط می‌شود. اگرچه عقد ازدواج به جهت اینکه جنبه معاملاتی ندارد برخی از شروط مبطل عقد در این عقد وجود ندارد. در ماده ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی این شروط به طور مجزا از آن نام برده شده است. اما در مهر این شروط ملاک صحت مهر قرار دادن نیست. هر آنچه قابلیت تملیک و تملک داشته باشد می‌تواند موضوع مهر قرار گیرد. درباره دیگر اسنادی که در زمان عقد ثبت و امضا می‌شود، اگر منظور اسناد وکالت در طلاق یا اسناد انتقال املاک یا اسناد تعهدآور است که این اسناد بعد

● **لیلا جان قربان!** شاید شما هم مثل من و خیلی از دخترهای دیگر آن روز که پای سفره عقد نشستید و عقدنامه را امضا کردید آن قدر نگران نگاه‌ها و حرف و حدیث اطرافیان بودید که تند تند فقط امضاها را زدید و هیچ کدام از بندها را نخواندید! بندهایی که روزی، روزگاری به کار خواهد آمد و اگر چفت و بست آن را محکم نگرفته باشیم سهل انگاری است که دودش توی چشم خودمان می‌رود. حالا به قول قدیمی‌ها از ما که گذشته است، اما برای دختران و حتی پسرانی که قصد ازدواج دارند رفته‌ایم و با یک وکیل پایه یک دادگستری به گفت و گو نشستیم و از چند و چون شروطی پرسیده‌ایم که ضمن عقد به کار می‌آید. دکتر زهراسادات مرتضوی که مدرس دانشگاه در رشته حقوق نیز هست با شهر بانو به گفت و گو نشستیم و به سؤالات ما پاسخ داده است.



شرایط سند ازدواج درج یا طی سند رسمی دیگری گرفته شود.

♥ این شروط چگونه از نظر حقوقی و قانونی اعتبار پیدا می کند؟

شروط اگر به صورت شرط ضمن عقد ازدواج باشد یا در سند ازدواج یا طی سند رسمی مجزا یا ضمن عقد رسمی دیگر درج می شود. زوجین اگر اطلاعات حقوقی ندارند حتماً قبل از ازدواج فهرست شروط مورد توافق را به نظر حقوقدان، وکیل و مشاور متخصص برسانند و پس از تأیید آنان به ثبت شروط اقدام کنند.

♥ خیلی از زنان حضانت فرزندان را جزو شروط عقد قرار می دهند، برای این کار چه باید بکنند؟

به همان ترتیبی که در سایر شروط عرض شد، حضانت فرزند هم یکی از شروط است در سند ازدواج یا سند رسمی مجزا یا در ضمن عقد دیگری می توان شرط کرد. اما به این نکته باید توجه داشت که موضوع حضانت فرزند برابر ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده به مصلحت طفل بستگی دارد. ممکن است زوجین در هنگام ازدواج یا پس از ازدواج چنین شرطی را برای یکدیگر قرار بدهند، دادگاه به توافقات طرفین توجهی ندارد و صرفاً به مصلحت طفل توجه دارد که آیا طفل قابل سپردن به شخصی که حق حضانت را برای خود شرط کرده، دارد یا خیر؟

♥ شروط ضمن عقدی که در قباله محضری می آید اعتبار دارد یا باید به شکل دیگری انجام شود تا وجاهت قانونی داشته باشد؟ مثلاً در باره حق طلاق زن عنوان می شود که ذکر در قباله کافی نیست و مرد باید وکالت محضری بدهد.

شروطی برای زوجه مناسب است. ممکن است برای زوجه‌ای که قصد ازدواج دارد شرط ادامه تحصیل یا انتخاب محل سکونت اهمیت داشته باشد و برای دیگری شرط اجازه خروج از کشور، ولی در مجموع انتخاب شروطی که دامنه انتخاب و آزادی زوجه را بیشتر تأمین کند مناسب تر است. در وضعیت کنونی قوانین کشور که همچنان خروج از کشور زوجه منوط به رضایت زوج است، ممکن است این شرط اولویت بیشتری داشته باشد و همچنین شرط اعطای وکالت در طلاق یا لحاظ شرایطی جزو شروط اولی به نظر می رسد. قانون نصف کردن اموال اگر منظور بند الف سند ازدواج باشد که تنصیف اموال در سند ازدواج منوط به تحقق شروطی است که با وجود مفرهای قانونی برای زوج در عمل شرط مناسبی نیست. خصوصاً اینکه در این بند قید تا نصف دارد و این به مفهوم تنصیف اموال واقعی نیست. اگر بخواهیم شرط تنصیف کاربردی باشد باید این شرط به صورت مطلق به صورت شرط ضمن عقد قرار داده شود و در قسمت سایر

این شروط کاملاً معتبر است. اما اگر منظورتان شروط مندرج در بند «ب» سند ازدواج (وکالت در طلاق) است. مسلماً این حق زمانی قابلیت استفاده دارد که یکی از شروط دوازده گانه تحقق یابد. پر واضح است که باید ابتدا تحقق شرط توسط زوجه در محکمه به اثبات برسد، سپس از وکالت در طلاق استفاده کند. به عنوان مثال در بند «ب» سند ازدواج شرط شده است «در صورت تخلف زوج از پرداخت نفقه به مدت شش ماه و عدم امکان الزام او زوجه می تواند از وکالت اعطایی در بند «ب» استفاده و خود را مطلقه نماید.»

بدیهی است برای استفاده از این وکالت در طلاق ابتدا باید زوجه در مراجع قضایی تخلف زوج از پرداخت نفقه را به اثبات برساند و در صورت پرداخت نکردن و احراز عدم امکان الزام زوج به پرداخت نفقه، زوجه می تواند از وکالت در طلاق استفاده کند. اما اگر زوجه وکالت در طلاق را به طور مطلق و مجزا از بند «ب» سند ازدواج داشته باشد دیگر لازم نیست این مراحل اثباتی را دنبال کند. این وکالت در طلاق ممکن است به طور مجزا با مراجعه به دفاتر اسناد رسمی تنظیم شود یا به صورت شرط ضمن عقد در هنگام ازدواج در قسمت سایر شرایط به زوجه اعطا شود که نحوه تنظیم آن حتماً باید تحت نظر وکیل متخصص در امور خانوادگی انجام شود تا بعدها قابلیت اعمال و اجرا داشته باشد.

♥ در نگاه عرف تعیین شروط ضمن عقد به نوعی چوب لای چرخ داماد گذاشتن برای ازدواج تعبیر می شود واقعا همین طور است؟ یا اینکه به دوام ازدواج کمک می کند؟

به نظر این نگاه عرفی بعضاً صحیح نیست. زیرا «جنگ اول به از صلح آخر است». برخی از این شروط با پافشاری بر آن ها توسط خانواده های زوجین تعیین می شود. به نظر در این گونه مواقع مشروط له و خانواده وی خود را در مقام مشروط علیه قرار دهد و برعکس. آیا اگر این شرط برای فرزند پسر یا دختر وی تعیین می شد، می پذیرفتند؟ هر چه شرایط قبل از ازدواج شفاف تر شود استحکام کانون خانوادگی بیشتر خواهد بود. زیرا بانگه بازتری

زندگی خود را آغاز می کنند. مشروط بر اینکه زمان ازدواج احساسی عمل نکرده باشند. زوجین باید بر روی شرایط پیشنهادی کاملاً منطقی تفکر کنند. به نظر بنده شروط سخت گیرانه ارتباطی به دوام زندگی ندارد. دوام ازدواج در صداقت، مودت و گذشت زوجین نسبت به یکدیگر است نه قرارداد دادن شروط سخت گیرانه. برخی از شروط مانند حق طلاق به زوجه، ممکن است بعضاً سبب آرامشی برای زوجه باشد که اگر در تنگناهای زندگی از سوی طرف مقابل مخالفتی برای طلاق وجود داشت دیگر دغدغه رهایی از روزهای سخت را نداشته باشد و این گونه می شود که امیدوارانه تر به زندگی ادامه می دهد و تصمیم عجولانه ای برای جدایی نمی گیرد.

♥ اگر زنی در زمان ازدواج شروطی را مطرح نکرده باشد آیا بعد از عقد می تواند این کار را انجام دهد یا نه؟ اگر امکان دارد به چه نحو؟

بله می تواند. به صورت شرط در ضمن عقد دیگری مثل شرط ضمن عقد بیع یا صلح یا به صورت تعهد ابتدایی بدون درج در ضمن عقد دیگری پس از مراجعه به مشاور و وکیل متخصص در امور خانواده و کسب اطلاعات لازم و حتی تنظیم متنی حقوقی توسط وکیل با مراجعه به دفاتر اسناد رسمی می تواند به این شروط و تعهدات بعد از ازدواج رسمیت ببخشد.

♥ به زوج و زوجه ای که این مصاحبه را می خواند چه پیشنهادی دارید؟

اگرچه موضوع بحث ما شروط ضمن عقد بود، ولی به نظر آنچه برای استحکام کانون خانواده ضرورت دارد، شناخت زوجین از یکدیگر تحت نظر روان شناسان مجرب قبل از ازدواج، آموزش ها و کسب مهارت های مؤثر زناشویی و تقویت روحیه گفتمان و مشاوره پذیری زوجین قبل از ازدواج و تقویت روحیه گذشت که بنا به آموزه های گذشتگان «چشمان باز قبل از ازدواج و چشمان بسته بعد از ازدواج» است که لازم و ضروری می باشد در غیر این صورت کاربرد این شروط برای رهایی از تنگناهای قضایی است و لاغیر.



شرط و شروطتتان باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند

- ♥ شرطی که تعیین می‌کنید نمی‌تواند خلاف شرع، قانون و اخلاق باشد، یعنی اینکه نمی‌توانید به عنوان شرط از طرف بخواهید از دیوار مردم بالا بروید.
- ♥ طرف مقابل باید توانایی انجام شرط را داشته باشد، مثلاً نمی‌توانید هنگام ازدواج از شوهرتان بخواهید نصف کره زمین را به نامتان بزند.
- ♥ از لحاظ عقلی دارای فایده باشد. یعنی نمی‌توانید بگویید مرد روزی یک ساعت روی دست‌هایش راه برود.
- ♥ مجهول و مبهم نباشد. یعنی درخواست قابل اندازه‌گیری و مشخص باشد. مثلاً نمی‌توانید بگویید آن مقدار از کف اقیانوس آرام که هیچ کس ندیده را لازم دارید.
- ♥ نوع شرط با عقد اصلی در تضاد نباشد. یعنی خلاف قوانین عقد نباشد.



شرط‌های عجیب آقا داماد

خانه مستقل نمی‌توانم تهیه کنم، خانه بابات باش.

ورود کلم به خانه ممنوع.

با خانواده‌ام خوب رفتار کن.

خانم فقط با آقا خرید برود.

مسافرت ممنوع.

رفت و آمد با فامیل ممنوع.

تلویزیون نمی‌خریم.

خانم حق ندارد، بادمجان بپزد.

اضافه وزن تعطیل!

این‌ها شروط دوازده‌گانه عقد هستند

۱ عدم پرداخت نفقه توسط زوج به مدت شش ماه: بر اساس این شرط جناب همسر نمی‌تواند بی‌خیال نفقه و خرجی شده و چنانچه این موضوع را زیر سیبیلی رد کند، زن بعد از شش ماه می‌تواند درخواست طلاق بدهد.

۲ سوء رفتار و سوء معاشرت زوج: این بند معلوم است هر کاری از پر خاشگری تا تهدید و توهین و آزار جنسی و جسمی به زن این امکان را می‌دهد که برای طلاق درخواست بدهد.

۳ ابتلا شدن زوج به امراض صعب‌العلاج: در صورتی که همسرتان، بیماری خطرناکی داشته باشد که جان و سلامت شما را تهدید کند، ادله‌ای برای درخواست طلاق است. مانند مشکلات روانی و بیماری‌های مقاربتی و ...

● **آزاده خلیلی** آن‌ها که به خانه بخت رفته‌اند، می‌دانند که در دفترخانه ازدواج، قرار است عروس و داماد پای شونصد تا برگه را فرت فرت امضا بزنند. امضا‌هایی که بناست حقوقی را به آن‌ها داده یا از شان بگیرد. هستند عروس و داماد‌هایی که آن روز حسابی در هیجان هستند و بی‌توجهی به برگه‌ها را امضا می‌کنند و عجله دارند که زودتر به بقیه مراسم برسند. اینجاست که یک نفر باید پیدا شود و بگوید، دست نگهدارید و بدون مطالعه کامل این سند از خیرش نگذرد. خوب است بدانید که این سند شرایطی را برای شما فراهم کرده که می‌توانید چند چیز دیگر به این موارد که قرار است امضا شود، اضافه کنید و به برخی از حقوق دست پیدا کنید.

نکات کلیدی درباره
عقد که باید

با اجاق بزرگ اما.

۷ اعتبار شود که مرد به چیه را آسیب زنند

۴ جنون زوج: اگر جنون زوج تأیید بشود، زن می‌تواند درخواست فسخ نکاح بدهد.

۸ ترک زندگی خانه و زندگی ثابت کند.

۵ اشتغال مرد به شغلی که با شأن و منزلت خانوادگی زن مغایر باشد: ممکن است شما نخواهید شوهرتان قاچاقچی یا شرخر باشد و در صورت اثبات، کمی برای درخواست طلاق دستتان جلو است.

۹ محکومیت حبس ابد یا به کمک این

۶ محکومیت زوج به پنج سال حبس: به هر دلیلی مرد به حبس محکوم شود، زن می‌تواند به دلیل قرار گرفتن در شرایطی که به آن عسرو حرج می‌گویند، به معنی قرار گرفتن در شرایطی است که ادامه زندگی سخت است، درخواست طلاق بدهد.



چه شروطی برای خانمها مناسب است

شروط حق مسکن: با وجود این حق شما، می‌توانید در باره شهر، محل و نوع سکونت حق اظهار نظر داشته باشید.

شروط حق تحصیل: با پذیرش این شرط، همسران نمی‌توانند مانع تحصیل شما شوند.

شروط حق اشتغال: با پذیرش این شرط همسران نمی‌توانند مانع شاغل بودن شما شوند.

شروط حق خروج از کشور: در حقیقت بهتر است، برای سفر اجازه کتبی همسر را داشته باشید، که در محضر اسناد رسمی باید تنظیم شود.

شروط حق اجازه برای عمل جراحی خود: در این باره هم لازم است که مرد به زن وکالت نامه محضری بدهد.

شروط حق طلاق: در این باره تنها ذکر در عقد نامه کافی نیست و مرد باید به زن وکالت محضری بدهد.

شروط حق حضانت فرزند: در صورت تمایل می‌توانید حضانت فرزند را هم بخواهید، هر چند که باید به نکات حقوقی اش دقت کنید و این مورد هم وکالت محضری می‌خواهد.

شروط جلوگیری از ازدواج دوباره شوهر: در صورت پذیرش این شرط توسط مرد، ایشان حق ازدواج دوباره بدون اجازه همسرش را نخواهد داشت.

شروط تنصیف: در صورتی که مرد بخواهد بدون رضایت زن او را طلاق بدهد و علت طلاق هم به تشخیص دادگاه به دلیل تخلفی از طرف زن، نباشد مرد باید نصف اموالی را که در طول زندگی مشترک به دست آورده بر اساس نظر دادگاه به زن منتقل کند.



شرط‌های عجیب عروس خانم

بچه‌دار شدن ممنوع.

هر چه خانم گفت آقا بگوید، چشم.

هر وقت آقا داماد خانه‌دار شد، بزند به نام عروس خانم.

آقا باید برای سفر از خانواده همسر اجازه بگیرد.

هر چی از زمان تولد تا حالا داشتی، برای عروس خانم.

سالی یک بار برویم خارج!

همه بیت کوین‌هایت مال من.

نظافت سرویس بهداشتی با آقا.

ورود گوشت گوسفند به خانه ممنوع.

اگر من رو می‌خوای توله‌سگم رو هم ببذیر.

شبکه‌های مجازی ممنوع.

خوب است بدانید

یادتان باشد که این شروط را نادیده نگیرید. در قانون مواردی هستند که در اختیار مرد هستند و شما با تعیین شروط می‌توانید این شرایط را برابر کنید.

بدون اضافه کردن این شروط به عقد نامه ممکن است برخی از حقوقتان را از دست بدهید. این شروط باید با عبارات حقوقی معینی در عقد نامه نوشته شوند.

در صورت ذکر نشدن برخی عبارات خاص حقوقی شروط از حیث اعتبار خارج است و نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد.

به دفترخانه‌ای بروید که به خوبی راهنمایی‌تان کنند. دوام و بقای خانواده بر پایه تفاهم و توافق است.

۱۰ **عقیم بودن شوهر:** اگر پس از پنج سال ثابت شد که به دلیل مشکلات جسمی زوج، بچه‌دار نشده‌اید، می‌توانید از قانون برای جدایی کمک بگیرید.

۱۱ **مفقود الاثر شدن شوهر:** این هم شبیه همان ترک خانه است، با این تفاوت که خط و خبری هم از او نباشد و نیست و نابود شود.

۱۲ **ازدواج مجدد شوهر:** با پذیرش این شرط در صورت اینکه زیر سر همسران بدون اجازه شما بلند شود و بعد عدالت را هم رعایت نکند و شما هم بتوانید ثابت کنید، می‌توانید درخواست طلاق بدهید.

۱۳ **هر:** این مورد تنها شامل اعتیاد به مواد نیست و شامل همه مواردی است از جمله مضر مانند الکل، قمار و معتاد باشد. در صورتی که دادگاه این اعتیاد به زندگی مشترک ببیند، زن دستش برای درخواست طلاق جلو است.

۱۴ **مشترک بدون عذر موجه:** چنانچه آقای شوهر بدون دلیل منطقی را رها کند و از خبری نباشد و زن با طی شرایط طلاق فرسایمی بتواند به حضرت آقا نیست، دادگاه به زن حق طلاق خواهد داد.

۱۵ **قطعی شوهر به دلیل انجام جرم خاص:** خدای نکرده شوهرتان به اعدام محکوم شد، لازم نیست ابد و یک روز منتظرش باشید و می‌توانید شرط برای طلاق اقدام کنید.





در گفت‌وگوی شهربانو با مدرس حوزه علمیه بررسی شد

شروط ضمن عقد هیچ‌گونه تنافی با مهریه و نفقه ندارد

● **آمنه مستقیمی** در کنار شرع و آموزه‌ها و دستورات آن، هستند قوانین و قواعد عرفی که آن‌ها نیز سعی دارند دوشادوش فقه و احکام بستر را برای توفیق و سعادت انسان هموار کنند. مثل شروط ضمن عقد... در باره این شروط و ریشه‌هایش و اینکه چقدر می‌تواند بستر ساز آرامش و سکینه و مودت که هدف قرآن از تشکیل خانواده است، شود با حجت الاسلام والمسلمین حسن عامری، مدرس حوزه علمیه، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه مرور می‌شود.

طلاق کند. ضمانت اجرا در این نظریه، صرفاً وجه الضمانی است که هنگام عقد گرفته می‌شود. برای مثال، اگر زن شرط تحصیل کرده باشد و بعد زوج از ادای این حق سر باز بزند، با وکالتی که زوجه دارد می‌تواند اقدام به طلاق کند. اگر چه در ادبیات و فرهنگ دینی ما، بیان شفاهی شرط کفایت می‌کند، اما برای اثبات آن در محاکم قضایی باید در دفترچه ثبت شده باشد، معمولاً دوازده شرط ضمن عقد هست که در صورت رعایت نکردن آن‌ها از جانب زوج، زن وکالت در طلاق پیدا می‌کند مثل اعتیاد شوهر، حبس بیش از پنج سال شوهر، یا بیماری‌های صعب‌العلاج که زن با حق وکالتی که گرفته می‌تواند خود را مطلقه کند. بنابراین، شروط ضمن عقد با این دو نظریه پشتوانه‌های متفاوتی پیدا می‌کند.

● **کدام یک از این دو نظریه مورد قبول محاکم قضایی ما است؟**

رویه محاکم ما معمولاً نظریه دوم است، یعنی قانون تحت هیچ شرایطی دستور به جلب زوج به دلیل زیر پا گذاشتن حق تحصیل یا کار زوجه را نمی‌دهد، بلکه زن را محق می‌داند که به واسطه وکالت در طلاق، طلب طلاق کند. معمولاً دوازده شرط از سوی زن هنگام عقد ازدواج اعمال می‌شود که نمی‌تواند بر اساس آن‌ها قانون را به حمایت خود بیاورد، اما می‌تواند به سبب نقضشان وکالت در طلاق داشته باشد.

زوجیت بین زن و مرد است که هر یک می‌توانند شروطی را که منسبت می‌دانند، مطرح کنند.

● **آیا شروطی مثل حق حضانت، حق تحصیل و کار و مسکن که برخی از بانوان به دریافت آن ضمن عقد ازدواج اقدام می‌کنند، دارای پشتوانه و ضمانت فقهی است؟**

در باره شروط ضمن عقد در میان فقها دو نظریه وجود دارد؛ نظریه نخست آنکه زوج یا زوجه در صورت پذیرفتن شروط ضمن عقد شرعاً واجب پیدا می‌کند و در صورت استنکاف طرفین، حاکم شرع اجازه دارد با ابزار و وسایل و اختیاراتی که دارد زوج یا زوجه را به عمل به شروط ضمن عقد وادار کند.

نظریه دوم به عدم تکلیف آور بودن شروط است و نمی‌گوید شرط ضمن عقد برای زوج و زوجه تکلیف‌آور است، اما بنابر آموزه‌های دینی و اخلاقی تأکید دارد «مؤمن هنگام عمل به شرط خود شناخته می‌شود». بنابراین، اگر هر یک از زوجین از عمل به این شروط خودداری و استنکاف کند، طرف مقابل نسبت به آنچه که وجه الضمان برای انجام شروط قرار گرفته، صاحب اختیار می‌شود. به عنوان مثال، اگر زوجه شرط حق مسکن کرده باشد و زوج عمل نکند، زوجه می‌تواند با وکالتی که هنگام عقد از زوج گرفته است، اقدام به طلاق یک طرفه کند حتی اگر زوج در محضر و محاکم حاضر نشود. یعنی زوجه با این حق وکالتی که دریافت کرده است، می‌تواند اقدام به

● **آیا در آموزه‌های دینی ما برای عقد ازدواج شروط خاصی پیش‌بینی شده است و می‌توان گفت آنچه به عنوان این شروط امروز به عرف تبدیل شده، ریشه دینی دارد؟**

مسئله شروط ضمن عقد، چه در عقد ازدواج و چه در دیگر عقود، از امور موسعه است؛ یعنی هیچ تکلیفی نسبت به بیان این شروط در ضمن عقد نسبت به دو طرف عقد (متعاقدين) وجود ندارد. به عبارت دیگر، در آموزه‌های اسلامی شرطی وجود ندارد که پیشنهاد و امر شده باشد که ضمن عقد واجب یا خوب است. بلکه ماهیت شروط ضمن عقد بازمی‌گردد به شرایطی که زوجین دارند و هر یک متناسب با شرایط خود و احتمالاً علایق و سلیقه‌ای که دارند، می‌توانند شروطی را ضمن عقد مطرح کنند. اگر این شروط مورد توافق طرف مقابل قرار بگیرد، مشروط بر اینکه نخست شرط حرام نباشد، دوم شرط متنافی با ماهیت عقد نباشد و سوم شرطی که احیاناً حق رایج و مسلم زوجین و متعاقدين را مخدوش کند، نباشد اعمال شود.

اگر این سه ویژگی برای شروط ضمن عقد رعایت شود، زن می‌تواند هر شرط دیگری مثل حق مسکن، حق تحصیل، حق کار و امثالهم را ضمن نکاح اعمال و مطالبه کند. در صورتی که زوج بپذیرد، شرعاً مکلف به انجام آن می‌شود. بنابراین در شرع مقدس هیچ شرطی برای عقد ازدواج پیشنهاد نشده و اصل آنچه در فقه و معارف دینی قرآنی وجود دارد، مسئله ارتباط

+ گوشه

با آگاهی و توافق قبلی به محضر بروید

زهرا زنگنه / اسید محمدرضی طبسی حائری، یکی از سردفتران ازدواج و طلاق مشهود است که در دوازده سال تجربه کاری شاهد شروط عروس و دامادهای زیادی بوده است. نکات اوراد را ادامه می خوانیم:

به انضمام چند دانگ منزل مسکونی

عمده اختلافات و موارد مورد بحث بین طرفین در هنگام ثبت سند ازدواج مسائل مالی است. مورد دیگر بحث در هنگام ثبت سند ازدواج که در چند سال اخیر باب شده، موضوع ثبت خانه به عنوان مهر به است. به گفته این سردفتر ازدواج و طلاق طبق قوانین ثبتی، ثبت خانه به عنوان مهر به تنها در صورت وجود خارجی منزل میسر است و انتقال سند قانونی باید در هنگام ثبت سند ازدواج انجام شود؛ «اما در صورت نبود منزل در هنگام ثبت عقد، حالت های دیگری هم ممکن است. اولین حالت در صورت صلح و سازش طرفین و عدم سخت گیری آن ها اتفاق می افتد؛ به این صورت که در داماد در شروط ضمن عقد متعهد می شود که هر زمان در آینده صاحب خانه شد مثلاً سه دانگ از آن را به نام عروس کند. البته این حالت جنبه اجرائی کمتری دارد.»

ملزم نیستیم اما گفتنش اخلاقی است

به گفته طبسی حائری محضرداران تنها ملزم به بیان نکات مربوط به مهریه و شرایط پرداخت آن هستند و الزامی برای توضیح سایر شروط و حقوق ضمن عقد ندارند؛ «ما اجباری برای این موضوع نداریم اما به خاطر مسائل اخلاقی طرفین را با شرایط مختلف آشنا می کنیم. یکی از این مسائل مهم شروط ۱۲ گانه ضمن عقد است. طبق قانون در صورت اثبات یکی از این شرایط، برای خانم حالت عسر و حرج ایجاد می شود که قاضی برایش اجازه طلاق صادر می کند. چنانچه این شرایط در عقدنامه قید نشود، قاضی باید به جای مرد اجازه طلاق را صادر کند و چون در این حالت قاضی به نحوی در اختیارات زوج مداخله می کند، به سبب رعایت جنبه های شرعی سخت گیری خیلی بیشتری صورت می گیرد.»

جدی در گرفتن حق طلاق

گرفتن حق طلاق توسط خانم ها هم یکی دیگر از مواردی است که گاهی حین تنظیم سند ازدواج و بعد از آگاهی از جزئیات شرایط در باره آن بین طرفین بحث های جدی می شود؛ «در حال حاضر اقدام به جدایی توسط خانم هادر صورت داشتن حق طلاق در دادگاه ها قابل اجرا است بنابراین لازم است آقایان در صورت دادن این حق وضعیت مطالبه مهریه را مشخص کنند.»

اول توافق؛ بعد محضر

در نظام نامه جدید به دفاتر ازدواج و طلاق اختیارات جدیدی داده شده که شروط ضمن عقد و جین را مطابق خواسته شان بنویسند. طبسی حائری در این باره گفت: «یکی از مواردی که اخیراً مورد توجه و تاکید خانم ها قرار گرفته گرفتن حق حضانت فرزند در آینده است. مورد دیگر هم ثبت حق خروج از کشور در سند ازدواج است که تقریباً بین بسیاری از مردم مرسوم شده است. البته لازم به ذکر است که ثبت این حق ظاهراً جنبه تشریفاتی دارد و برای اجرائی شدن باید در دفتر اسناد رسمی هم ثبت شود؛ چرا که هنوز جنبه اجرائی پیدا نکرده است و پلیس +۱۰ هنوز آن را قبول ندارد.» یکی دیگر از موارد مطرح شده در محضرهای ازدواج، ثبت میزان نفقه ماهیانه و یا شرط پذیرش یا تکید بر عدم حضور فرزند یکی از زوجین در زندگی آینده آقا و خانم هم است که بعضی زوجین در شروط ضمن عقد خود لحاظ می کنند. به گفته این سردفتر مشهودی بعد از آگاهی از جزئیات شروط مختلف ضمن عقد و مسائل مربوط به مهریه، تازه بحث بین زوجین با خانواده ها آغاز می شود و حتی گاهی کار به اختلاف کشیده شده و قهر و درگیری جدی پیش می آید. بنابراین لازم است همه توافقات بین طرفین پیش از آمدن به محضر انجام شود.

آیا شروط ضمن عقد و پذیرش آن ها از سوی زن، نافی مهریه و نفقه است و این دین را از مرد ساقط می کند؟

خیر. تحت هیچ شرایطی این شروط نافی مهریه نمی شود. ممکن است زوج برای پذیرش شروط زن، طلب بخشش مهریه و ثبت نکردن آن در سند ازدواج را داشته باشد و بگوید حال که حق مسکن، تحصیل و کار می خواهید پس در سند ازدواج مهریه ای ذکر نشود. علاوه بر این، اگر چه نفقه از وظایف و تکالیف مرد است، اما چون ماهیت ازدواج نیست، مرد می تواند بگوید حال که زوج حق سفر، مسکن و... می خواهد من هم از نفقه معاف بشوم چون این هم حقی است که زن به مرد می دهد تا از حقوق دیگر و مورد علاقه خود برخوردار شود و گرنه شروط ضمن عقد هیچ گونه تنافی با مهریه و نفقه ندارد.

تخلف در عمل به شروط ضمن عقد آیا اصل ازدواج را تحت تأثیر قرار می دهد و رابطه زوجیت و زناشویی را نقض می کند؟

پاسخ به این سؤال هم منفی است. یک سری شروطی وجود دارد که شرع مقدس در اصل ازدواج قرار داده است که اگر آن ها نباشد، مرد یا زن حق فسخ عقد را پیدا می کنند؛ مانند عجز مرد از انجام زناشویی در صورت اثبات که حتی اگر ضمن عقد هم نیامده باشد، زن می تواند به واسطه آن عقد را فسخ کند، یعنی حتی به مرحله طلاق هم نمی رسد و فسخ می شود! یا فرضاً اگر زن شروط زناشویی را نداشته باشد و مانعی برای ادای وظایف زناشویی در مقابل شوهر داشته باشد، مرد می تواند عقد را فسخ کند. یا اگر هر یک از مرد و زن جنون داشته باشند، در اینجا نیز طرفین حق فسخ عقد را دارند. اما این شروط متداول کنونی ضمن عقد نافی اصل عقد نیست. برای مثال، اگر مرد به حق تحصیل زن عمل نکند، زوجیت باقی است و می تواند به زندگی خود ادامه دهند و ممکن است بعداً به نتیجه و تفاهم برسند که زن از حق تحصیل بگذرد، اما این موضوع محرمیت آن ها را متاثر نمی کند و به آن ربطی ندارد.

با وصفی که رفت آیا می توان آموزه های دینی را مؤید شروط ضمن عقد دانست؟

در اصل شرع مقدس، شروط ضمن عقد برای رعایت حال زوجین اجازه یافته اند، یعنی ازدواج و هر عقد دیگری ماهیتی برای شرع دارد، مثلاً محرمیت ایجاد شود و مرد و زن در عین قانونیت و مشروعیت تشکیل خانواده بدهند تا تولید مثل رخ دهد و جامعه امنیت اخلاقی و روانی بیابد؛ اما هر یک از زوجین به تناسب فرهنگ و شرایط خانوادگی، شروط و خاصیت ها و وسایق و علائق و وضعیت زندگی و امثالهم خاص خود را دارند و برای رعایت حال شخصی خود در کنار ماهیت شرع، شروطی را قرار می دهند مثل حق تحصیل و مسکن. امروزه اعتیاد از مسائل خانمان بر انداز است و زن نمی تواند با مرد معتاد زندگی کند باید این حق را به او داد در ابتدای عقد، و کالت در طلاق بگیرد تا اگر آقا دچار معصیت و اشتباهی شد حق و کالت در طلاق به او تعلق بگیرد. بنابراین، ماهیت عقد یک چیز است و شروط ضمن عقد چیز دیگر، این شروط تأمین مرحله دوم است.

شروط ضمن عقد را می توان ضمان خوشبختی دانست؟

اصل و اساس ازدواج توافق، همدلی، عشق و ارادت و دلسوزی بین زوجین است، اینکه زن و مرد شرایط هم را درک و احترام یکدیگر را در بالاترین سطح رعایت کنند و گرنه این شروط و قوانین، زندگی برای زن و مرد به معنای واقعی را به ارمغان نمی آورد، بلکه این ها برای رفع گره های اساسی و تهدید کننده خانواده در آینده است و گرنه برای زندگی به معنای واقعی مؤثر نیست و احترام و محبت و قوام خانوادگی نمی آورد، بلکه بیشتر برای رفع بن بست هاست و امید است هرگز خانواده با رعایت مودت و محبت مد نظر قرآن از این شروط استفاده نکنند.



کلید یا قفل؛ مسئله این است!

بررسی تأثیرات روانی شروط ضمن عقد در گفت‌وگو با یک روان‌شناس

● محدثه رضایی | وقتی صحبت از ازدواج به میان می‌آید، بسیاری از ما به عشق و تعهد فکر می‌کنیم، اما گاهی در پس این رابطه پر از احساس، مسائلی وجود دارد که در سکوت باقی می‌ماند. یکی از این مسائل مهم، شروط ضمن عقد است؛ قراردادی که به ظاهر قانونی است. اما در واقع می‌تواند بنیان گذار امنیت یا تنش در زندگی مشترک باشد. برای بسیاری از زنان این شروط به عنوان ابزاری برای حفظ حقوقشان در دنیای پیچیده روابط ناشویی شناخته می‌شود. اما آیا واقعاً این شرایط می‌تواند از شکاف‌ها و بحران‌ها جلوگیری کند یا برعکس، به روابط فشار وارد کند؟ در ادامه با رحله روحی، روان‌شناس بالینی، در این باره صحبت کرده‌ایم تا نگاهی عمیق‌تر به تأثیر این شروط بر روابط خانوادگی و پایداری ازدواج‌ها بیندازیم.



یادداشت

عاشقانه؛ عادلانه

● مهدیه ترشیزی؛ کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

نکته‌ای که خیلی مهم است و انتظار می‌رود نسل جدید به آن عمل کند، این است که قبل از امضای شروط ضمن عقد و تصمیم به ازدواج، درباره موارد و اصول مهم در ازدواج و همچنین کمیت و کیفیت شروط ضمن عقد گفت‌وگو داشته باشند تا با چالش‌ها و مسائل جدی قبل از شروع رابطه روبه‌رو شوند و با کمک مشاور برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. از طرفی روبه‌رو شدن با گارد‌ها و ممانعت‌های زیاد آقا یا خانواده ایشان ممکن است برای مانع‌ها یا داشته‌ها باشد که بهتر است حتماً در باره آن با روان‌شناس صحبت کنیم. مثلاً اگر آقایی در شروط ضمن عقد به امضای بند اعتیاد یا ازدواج مجدد اعتراض کند، سؤال پیش خواهد آمد که چرا و به چه دلیل راضی به امضای این بند از قرارداد نیست؟ آیا ترسی دارد، اتفاقی در گذشته افتاده است که ذهنیت فرد را دچار مشکل کند یا دلایل دیگر دارد مثلاً می‌تواند به علت مردسالاری و تفکرات کلیشه‌ای اشتباه باشد که باید در این باره با روان‌شناس مشورت شود. از طرفی پژوهش‌های حوزه اجتماعی ثابت کرده‌اند با توجه به اینکه انسان‌ها موجوداتی مختار آفریده شده‌اند، همواره به دنبال رسیدن به قدرت اختیار هستند و هنگامی که آزادی عمل بیشتری داشته باشند انتخاب‌های بهتری انجام می‌دهند و همچنین عملکرد بهتری دارند.

علاوه بر این برخی شروط ضمن عقد که بر مبنای برابری هستند باعث افزایش عزت نفس و شادکامی بانوان می‌شوند، همچنین این شروط عادلانه و منطقی می‌تواند احساس ارزشمندی بانوان را افزایش دهد، این به این معنی است که تأثیرات شروط ضمن عقد می‌تواند در روند تشکیل خانواده و حتی زندگی زوج پس از ازدواج تأثیرگذار باشد. با توجه به اینکه اغلب طلاق‌ها در چند سال اولیه شروع زندگی اتفاق می‌افتد، این اتفاق و پذیرش شروط توسط آقایان می‌تواند انگیزه و تاب‌آوری بانوان را افزایش دهد و این فرایند بر کاهش کمیت طلاق‌ها تأثیرگذار باشد، چرا که در آن زمان بانوان تبعیض و نادیده گرفتن حقوق برابرانه بینند و احساس می‌کنند به حقوقی که نیاز بوده، رسیدند و این اتفاق به آن‌ها نوید این را می‌دهد که می‌توانند در زندگی مشترک هم این برابری و منطقی بودن را احساس کنند، پس با آرامش خاطر بیشتری انتخاب می‌کنند و انتخاب خود را می‌پذیرند و درک متقابل بهتری خواهند داشت. پس تصور اینکه اگر بانوان آزادی عمل داشته باشند، احساسی و بدون منطق عمل می‌کنند، یک تصور کلیشه‌ای و اشتباهی است. به نظر می‌رسد با تغییر نگاه خانواده‌ها و جوانان می‌شود شروط منطقی را در این قرارداد عاشقانه-منطقی قرار داد، که هم آسودگی خاطر طرفین را افزایش دهد هم به افزایش احساس ارزشمندی و عزت نفس دختران کمک کند، همچنین برابری بیشتری را به دنبال داشته باشد. در انتها باید فراموش نکنیم که ازدواج یک قرارداد مهم عاشقانه است که مانند تمامی قراردادهای رسمی، جدی و قانونی است و هیچ فردی به قصد طلاق تن به ازدواج نمی‌دهد و شروط ضمن عقد می‌تواند بندهای این قرارداد عاشقانه را منطقی و عادلانه تر کند.

بررسی حقوق مضاعف و نقش آن در مشاوره‌های پیش از ازدواج

او با بیان اینکه در سال‌های اخیر در فرایند مشاوره‌های پیش از ازدواج، یکی از مسائل پرچالشی که مطرح می‌شود، خواسته‌های زنان برای دریافت حقوقی بیشتر از آنچه در قانون برای آن‌ها تعریف شده است، گفت: این حقوق شامل مسائلی مانند حق ادامه تحصیل، حق سکونت، حق خروج از کشور و حق طلاق است. بسیاری از خانم‌ها معتقدند که این حقوق باید به آن‌ها داده شود تا احساس برابری و تساوی در زندگی مشترک برقرار شود. آن‌ها بر این باورند که اگر این حقوق را دریافت کنند، می‌توانند با مردان در زندگی برابر شوند و پس از آن، دیگر مسائل زندگی را با توافق و مشارکت پیش ببرند. شروط ضمن عقدی که خانم‌ها خواستار آن هستند، می‌تواند در برخی مواقع مفید واقع شود و در برخی دیگر ممکن است آسیب‌زننده باشد. همچنین باید به این نکته توجه داشت که برخی از این خواسته‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی مشترک کمک کند، در حالی که در برخی موارد ممکن است مشکلات و تنش‌هایی را در رابطه ایجاد کند.

رشد شخصیت زنان و نیاز به قدرت و پیشرفت

روحي با اعتقاد بر اینکه همان‌طور که نیاز به عشق در یک خانم وجود دارد، نیاز به پیشرفت و قدرت نیز در آن‌ها احساس می‌شود، بیان کرد: خانم‌ها تمایل دارند در دهه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، ابعاد مختلف شخصیت خود را رشد دهند و تنها محدود به بعد عاطفی و احساسی خود نشوند. برای همین در حوزه کار، تحصیل و عرصه‌های اجتماعی ورود پیدا کرده‌اند و عموماً تمایل دارند که بتوانند کسب و کاری داشته باشند، درآمد کسب کنند و استقلال مالی را تجربه کنند. زمانی که آن‌ها با بحث کسب و کار آشنا می‌شوند، مهارت‌های حل مسئله را یاد می‌گیرند و زندگی را علمی‌تر پیش می‌برند، به ویژه زمانی که در حوزه تحصیلات رشد می‌کنند. اما شاهد این موضوع هم هستیم که برخی از مردان از این موضوع می‌ترسند که اگر همسرشان تحصیلات بالایی داشته باشد یا کسب و کاری راه‌اندازی کند و استقلال مالی داشته باشد، دیگر در برابر آن‌ها تمکین نخواهند کرد. بنابراین برخی از مردان به دلیل نگرانی از تهدید شدن موقعیت خود، تلاش می‌کنند محدودیت‌هایی برای خانم‌ها ایجاد کنند. اما واقعیت این است که اگر در این حوزه، چه مرد و چه زن، سواد عاطفی خود را افزایش دهند و ارتباطات خود را به درستی مدیریت کنند، نگرانی‌ها از بین می‌رود و پیشرفت زنان تهدیدی برای زندگی مشترک نخواهد بود. اما درباره طلاق و حق طلاق داستان متفاوت است.



احساس نابرابری زنان و درخواست حق طلاق

این روان شناس با تأکید بر اینکه حق طلاق در بسیاری از جوامع، از جمله جامعه ایران، صدها سال است که مختص مردان بوده، بیان کرد: در این جوامع، زنان به راحتی نمی توانند از روابط خود خارج شوند، حتی اگر زندگی برای آن‌ها دشوار باشد. در طول زمان، زنان احساس کرده اند که نابرابری هایی در این زمینه وجود دارد و به همین دلیل تصمیم گرفته اند که حق طلاق را برای خود درخواست کنند. هدف آن‌ها این است که در صورت سخت شدن زندگی، بتوانند راحت تر از رابطه خارج شوند. از سوی دیگر، برخی مردان قضاوت هایی نسبت به زنان دارند و بر این باورند که اگر آن‌ها دست از پا خطا کنند، زنان ممکن است بر اساس احساسات خود تصمیم به جدایی گرفته و سرعاً از رابطه خارج شوند. بخشی از این مسئله واقعیت دارد که اگر مردی اشتباهی مرتکب شود ولی شروط ضمن عقد مانند اعتیاد، پرداخت نکردن نفقه و مسئولیت های دیگر را نقض نکرده باشد، اما رفتار یا اخلاق او زندگی را برای زن و فرزندش سخت کند، معمولاً زن دلیل کافی و مستند برای جدایی نخواهد داشت. در چنین شرایطی، ممکن است حتی ۵ تا ۱۰ سال طول بکشد و زن نتواند از رابطه خارج شود مگر اینکه مرد تصمیم به جدایی بگیرد. این وضعیت باعث می شود که زنان به این نتیجه برسند که باید حق طلاق داشته باشند تا از چنین شرایطی جلوگیری کنند.

امنیت روانی و رابطه آن با شروط ضمن عقد

اویکی از اقداماتی که باید در نظر گرفته شود تجدید نظر در برخی از قوانین محاکم قضایی بیان کرد و گفت: یکی از معایب اعطای حق طلاق به زنان این است که مردان با ترس زندگی می کنند و این فشار روانی نمی تواند ضامن پایداری رابطه باشد. آنچه که می تواند تضمین کننده یک رابطه ناشویی باشد، سواد عاطفی و بلوغ هیجانی طرفین است. اگر زوج ها دوره های آموزشی مربوط به مهارت های ارتباطی و عاطفی را چه در دانشگاه ها و چه در مراحل پیش از ازدواج بگذرانند و حتی از دوران کودکی و نوجوانی آموزش های لازم را دریافت کنند، این آموزش های می تواند ضامن موفقیت یک رابطه باشد. به نظر می رسد در حال حاضر اعطای حق طلاق به زنان، نمی تواند تأثیر زیادی در بهبود روابط داشته باشد و ممکن است حتی آسیب های فعلی را تشدید کند. البته ممکن است در آینده مثلاً ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر، جامعه به سمتی حرکت کند که این حق را به زنان بدهند، اما در حال حاضر توصیه نمی شود که بر اعطای حق طلاق به طور اجبار تأکید شود.

روحي در پاسخ به این پرسش که مهم ترین مزیت شروط ضمن عقد برای زنان چیست، گفت: مهم ترین مزیت برای زنان این است که احساس برابری پیدا می کنند. بسیاری از زنان این موضوع را ناعادلانه می دانند که حق طلاق، حق خروج از کشور و حتی حق تصمیم گیری در باره تحصیل یا اشتغال با همسرشان باشد و خودشان هیچ قدرت تصمیم گیری در این زمینه ها نداشته باشند. بنابراین، احساس برابری می تواند حال آن‌ها را بهبود بخشد و کمک کند تا بتوانند با برنامه ریزی بهتر رابطه ناشویی را مدیریت کنند.

با این حال، تجربه نشان می دهد که زوج هایی که حق طلاق دارند، زندگی سختی دارند، اما این به معنای آن نیست که به محض داشتن این حق، از رابطه بیرون می آیند.

حق طلاق به آن‌ها این امکان را می دهد که

در صورت نیاز، رابطه را به سرعت پایان

دهند، اما در واقعیت بسیاری

از آن‌ها تمام تلاش خود را

می کنند تا رابطه را

حفظ کنند.



وقت ازدواج با ما چانه می زند!

صحبت های مریم ابراهیمی، فعال حوزه تسهیلگری ازدواج
در دیدار زنان و دختران با رهبر معظم انقلاب

یادداشت شفهی

در ابتدای روزهای دانشجویی با جوانانی مواجه بودم که دوست داشتند ازدواج کنند اگر چه مشکلات اقتصادی به خصوص برای پسران قابل انکار نبود اما انگار دغدغه اصلی این بود که همسر مناسب خودشان را پیدا نمی کردند. حلقه مفقوده را در کلام شما یافتیم؛ احیای سنت واسطه گری. همان سنتی که خیلی ها از ترس حرف و حدیث و بیایک تجربه تلخ ترکش کرده بودند. شاید هم رغبتی نبود چون نگاه خوبی به واسطه گری ازدواج وجود نداشت.



نگاه به واسطه گرها این بود که این ها به خاطر ثواب یا بالابردن آمار به هر قیمتی دنبال جوش دادن ازدواج هستند برای سختگیرها هم شده بودیم در باغ بهشت یکی یکی ملاک هایشان را فهرست می کردند تا صاحب کفش سیندرلار را ببینیم با این دیدگاه که شد شد نشد واسطه گرمان را عوض می کنیم.

بعضی واسطه گرها معتقد بودند که «چه اشکالی دارد هر کسی سلیقه ای دارد! می گردیم و پیدا می کنیم.» ولی هدف از واسطه گری که این نبود. ما آمده بودیم به تسهیل ازدواج جوانان کمک کنیم نه اینکه به ملاک های اشتباه دامن بزنیم. واسطه گری باید اصلاح می شد ولی در اصل احیای فرهنگ واسطه گری آن حلقه مفقوده بود نه صرف معرفی کردن دو نفر به هر قیمتی.

واسطه گری باید با بهره گیری از تجربیات دنیا دیده ها جوان می شد. باید دغدغه تمام افراد جامعه می بود، پیر و جوان نداشت، متاهل و مجرد نداشت. شاید مجردی به هزار و یک دلیل زمینه ازدواج خودش فراهم نشده اما به واسطه ارتباطش می تواند ازدواج فرد دیگری را رقم بزند. نتیجه اش شد گرد هم آمدن واسطه گران جوانی که بدون بودجه و حمایت دولتی دغدغه مند کار می کنند. البته برای آنها که ملاک های سختگیرانه ندارند.

دهه هفتادی و هشتادی اند اما دل نگرانی اصلی شان برای دختران دهه شصت است. اگر چه که مسئله ازدواج دهه شصتی ها با واسطه گری صرف حل نمی شود چرا که پسران این دهه حق خودشان می دانند با دختری که ۱۰ سال از خودشان کوچکتر است ازدواج کنند و ازدواج با دختران این دهه را به بهانه های مختلف نمی پذیرند. که نتیجه آن شده برهم خوردن توازن نسلی و آسیب هایی که شاهدش هستیم و خواهیم بود. بی توجهیم به بحث ازدواج این دختران آن هم در جامعه ای که هویت زن را به ازدواج گره می زند و نه تنها برای ازدواج شان هیچ کار جدی نمی کنیم بلکه تاحدی شاهد حذف آن ها از مناسبات اجتماعی هستیم. آقا جان نصیحت کنید نسل ما را، والدین ما را! گله دارم از دختران، پسران و جامعه ای که در ازدواج به معیارهای مادی و ظاهری اصالت بیشتری می دهند و البته سرتعظیم فرود می آورم در برابر پسرانی که با وجود مشکلات اقتصادی، انتخابشان متعهد شدن به خانواده است اما گلايه دارم از پسرانی که زمان مهریه و تعیین ۱۴ سکه دم از ولایی و انقلابی بودن می زنند ولی وقتی به مرحله خرید جهیزیه ایرانی می رسند سخنان شمارا فراموش می کنند. وقت انتخاب سر چند سانت قد، چند کیلو با لا بودن وزن، رنگ پوست، پر جمعیت بودن خانواده و منطقه محل سکونت به شدت با ما چانه می زند حتی می گویند: «معلم باشه که هم حقوق بگیره هم تاستون هاتعطیل باشه» وقتی هم که سخنان شمارا یادآوری می کنیم می گویند: «خب باید به دلمشینه دیگه!» خب برادر من شاید دل شما مشکل دارد که چهره طبیعی ۷۰ درصد دختران جامعه را نمی پسندی!

به نظر می رسد یکی از دلایل گرایش روز افزون دختران به عمل های زیبایی همین سخت پسندی پسران باشد. البته که هیچ دفاعی از برخی ملاک های دختران سرزمینم هم ندارم که گاه پسر از خیال پردازی و فانتزی پروری است. دخترانی که در رویاهای خود ازدواج با متدین ترین پسر خوش تیپ و قد بلند شهر را متصور می شوند اما کمیته شان در عمل بد جور می لنگد و والدینشان می گویند: «دختر ما سختی نکشیده نمی تونه چند صباحی مستجر نشین باشه! شغل قراردادی هم که حرفش روزن! دختر مادر ناز و نعمت بزرگ شده!» گویی ما در بیابان های لوت بزرگ شدیم. راستی دفتر چه بیمه و کارت پایان خدمت هم فراموش نشود. گاهی هم فکر می کنم شاید تقصیر دختران و پسران ما نیست. چه منبع رسمی برای آموزش مهارت های لازم برای ازدواج در جامعه ما وجود دارد! سیاست گذاران! از سیاست گذاران آموزش نخواستیم همین که وام ازدواج را حذف نکنند دعا گویان هستیم.

خانواده ها هم که می گویند «ما بطور زندگی کردیم! آموزش خاصی نمی خواهد!» مدرسه! آن هم که به فکر روش های تقویت تست زنی بچه هاست. دانشگاه! بله دو واحد سرهم بندی دانش خانواده! از طرف دیگر تمرکز اصلی آموزش های خانواده در جامعه ما با محوریت زنان و نقش آن هادر خانواده است و مردان را از آموزش در خانواده، امور همسر داری و پدری حذف کردیم و گویی فقط نقش تامین کنندگی مالی برای مردان قائل هستیم. آقا جان حرف بسیار است اما برای حسن ختام در دلی دارم ما خانم های انقلابی فعال در حوزه خانواده چه در بخش فرهنگی و چه در بخش ساختارهای حقوقی به خاطر مطالبه نکات مطرح شده در سخنرانی های شما انگ فنیسم مذهبی می خوریم از همین رو است که برای این دیدار و سخنرانی پیش روی شما اشتیاق داریم مانند دختری که به خانه پدری اش پناه می برد. دعا یمان کنید.

خاطره سازی در بلندترین شب سال

شب یلدا را چطور برای کودکان خاطره انگیز کنیم؟



● حمیده زمانی | شب یلدا یکی از قدیمی ترین رسوم ما ایرانی هاست که برایمان معمولا پر از خاطرات شاد و زیبای کودکی است. از قدیم ایام رسم بر این بوده است که زن های خانه از چند ماه قبل به فکر شب یلدا بودند و برای آن شب تدارکات خاصی را بسته به رسم و فرهنگ محل زندگی شان می دیدند. برای این شب بلند همراه با کودکان چه برنامه ای دارید؟ چطور یلدا را برای بچه ها خاطره انگیز و ماندگار کنیم؟ شما می توانید یک مامان ایده پرداز باشید و برای بچه ها برنامه های مختلفی را بچینید. در ادامه چند پیشنهاد کار بردی برای شما می آوریم.



● کودکان را در آماده سازی میز یا سفره یلدا شریک کنید

بخش جذاب شب یلدا برای ما مامان ها، آماده سازی میز یلداست که باید با ذوق و سلیقه مان آن را بچینیم. حتما بخشی از این ذوق را با بچه ها شریک شوید. بسته به سن و سال و میزان توانمندی و علاقه شان می توانید مسئولیت کارهای مختلفی را به دوش آن ها بگذارید: ریختن شکلات ها و آجیل ها در ظرف مخصوص، دانه کردن انار، تزیین و چینش زیبای میوه ها، همکاری در درست کردن دسر یا کیک و... این کار علاوه بر انس و صمیمیتی که در رابطه بین شما ایجاد می کند، باعث حس مسئولیت پذیری و احساس ارزشمندی در بچه ها می شود.

با هم شعر یلدایی بخوانید

سرود یا با هم خوانی یک شعر همیشه یکی از اثرگذارترین ابزارهای تربیتی بوده است. در هیچ مراسمی از آن غافل نشوید. چه در مراسم شادی، چه در سوگواری، یا حتی در کوهنوردی و گردش‌های بیرون از شهر، با هم خواندن یک شعر می‌تواند روابط بین شما را مستحکم‌تر کند و ارزش‌های شما را راحت‌تر به بچه‌ها منتقل کند. یک شعر ساده را برای با هم خوانی انتخاب کنید، شعری ساده که محتوا یا ارزش‌های شما را منعکس کند. با هم خوانی شعر می‌تواند یلدا را نه تنها برای کودکان بلکه برای بزرگسالان هم خاطره‌انگیز کند.

چه خوبه شب یلدا ● شبی بلند و زیبا
به جای حرف دنیا ● کنیم یاد خدا را
انار دونه دونه ● هر کس باید بدونه
از آدما تودنیا ● خوبی فقط می‌مونه

حتی می‌توانید یک آهنگ متناسب با شب یلدا که خودتان و بچه‌ها دوست دارید از قبل آماده کنید و در حین کارها و تدارکات شب یلدا با هم گوش و زمزمه کنید.

کاردستی بسازید

بخشی از دورهمی این شب را به ساخت کاردستی یلدایی بگذرانید. حتماً از قبل ابزار کاردستی مثل مقواها و کاغذهای رنگی، چسب و قیچی و مداد رنگی و... را تهیه کنید. وقتی همه بچه‌ها دور هم جمع بودند به آن‌ها پیشنهاد ساخت کاردستی یلدایی بدهید. ریسه‌های انار و هندوانه، ماسک یا کلاه هندوانه‌ای، انار و هندوانه‌های سه بعدی و حتی کارت تبریک می‌تواند برای بچه‌ها با هر سن و سالی جذاب باشد. آن هم وقتی کار گروهی است. از آنجایی که روز مادر نزدیک است می‌توانید به بچه‌ها پیشنهاد تهیه کارت تبریک روز مادر را بدهید.

شاهنامه خوانی کنید

اگر در منزل شاهنامه ندارید، نگران نباشید با یک جست‌وجوی کوچک در بستر اینترنت می‌توانید به داستان‌های شاهنامه دسترسی داشته باشید. با کمی چاشنی خلاقیت و طنز می‌توانید با کمک بچه‌ها نمایش رستم و سهراب را بازی کنید یا یکی از رزم‌های رستم در هفت‌خان را برای بچه‌ها تعریف کنید و با لحن حماسی که به صدایتان می‌دهید آن‌ها را جذب داستان کنید.

بچه‌ها بسته‌های یلدایی کوچک تهیه کنید

علاوه بر اینکه امشب را با خانواده خودمان خوش هستیم خوب است از قبل یک برنامه‌ریزی برای کمک شب یلدایی به خانواده‌های نیازمند داشته باشیم و اول شب بسته‌بندی‌هایی را با کمک بچه‌ها آماده کنیم و به مناطق محروم ببریم یا برای افراد نیازمند محله‌مان ببریم. اگر این امکان برایتان فراهم نبود می‌توانید سبدی را در گوشه‌ای از منزل بگذارید و بگویید این سبد برای کمک برای افراد نیازمند است و اولین نفر خودتان مبلغی را در آن بگذارید، بعد با همراهی بزرگ‌ترهای دیگر در باره کمک و نیکوکاری به دیگران صحبت کنید و بپرسید هر کسی در جمع از چه چیزی حاضر است به خاطر افراد نیازمند بگذرد و در سبد بیندازد. کودکان و نوجوانان را در این بحث شریک کنید و از آن‌ها بپرسید چه چیزی برای هدیه کردن به نیازمندان دارند؟

سرگرمی‌های یلدایی داشته باشید

از آنجایی که ماهیت شب یلدا ماهیت دورهمی، جمعی و خانوادگی است، ماهیت سرگرمی‌های شب یلدا نیز جمعی است و باید برای تمام اعضای خانواده از کوچک تا بزرگ جنبه سرگرمی داشته باشد. بازی‌های جمعی مثل گل یا پوچ، اسم فامیل، پانتومیم، بازی‌هایی است که برای کودکان هم سرگرم‌کننده است. طرح معما و چیستان یا گفتن ماجراهای علمی عجیب غریب مثل آشنا کردن کودکان با شگفتی‌هایی که در ایران خودمان وجود دارد. کشتی گرفتن کودکان با نوجوانان می‌تواند فضای رقابتی و شادی را برای کل خانواده فراهم کند. لطیفه‌گویی و تعریف ماجراهای خنده‌دار بدون اینکه به کسی توهین یا بی‌احترامی شود نیز برای کودکان در کنار بزرگسالان سرگرم‌کننده است.

به یاد کودکان غزه

روزهای زیادی است که کودکان نام غزه و کودکش را می‌شنوند. در قسمتی از مهمانی‌تان خوب است یادی کنید از کودکان غزه و مادرانی که دوست داشتند الان مثل مادر هم جمع بودند و با شادی و نشاط لحظات خوشی را با خانواده‌هایشان می‌گذراندند. این دورهمی شاید فرصت مناسبی باشد تا بتوانید همدلی را به کودکان آموزش دهید و آن‌ها را با واژه‌هایی مثل امنیت آشنا کنید و به خاطرش شکرگزاری جمعی داشته باشید. بخشی از هزینه‌های سبد نیکوکاری‌تان را می‌توانید با همراهی بچه‌ها به کودکان غزه هدیه کنید. همچنین می‌شود یک نمایشگاه نقاشی یا موضوع کودکان غزه در خانه دایر کنید.

یک شب همه با هم!

امیدواریم که اسیر زندگی‌های آپارتمان‌نشینی و محدودیت‌هایش نشده باشید و هنوز شب یلدا برای شما معنای اصیل دورهمی خانوادگی را داشته باشد. خانواده شاه کلید روابط ما ایرانی‌هاست. برای حفظ آن از دیرباز تا همین الان همیشه تلاش کرده‌ایم. این ارزش و فرهنگ ملی را به کودکانمان نیز منتقل کنیم. شب یلدا دست‌آن‌ها را بگیریم و با خوراکی که با همکاری هم درست کردیم یا کارت هدیه‌هایی که بالاتر توضیح دادیم سراغ پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایمان برویم و آن‌ها را از تنهایی در بیاوریم. این شب هیچ‌کدام از بزرگ‌ترهایمان را تنها نگذاریم. بزرگ‌تری که بیشتر از همیشه در این روزهای سخت جبهه مقاومت به ظهورش و بودنش نیاز داریم، آقا ولی‌مان حضرت مهدی (عج) است که در جمع‌هایمان برای آمدنش دعا کنیم.

آراگیراهای چشم نواز

خانم طالع زاری هنرش را با گل و رنگ نمایان می‌کند

خوش‌حالی با کمترین هزینه

او که متولد مینودشت است، برای گذراندن دوره‌های آموزشی به تهران رفت و آمد می‌کند و کارش را هم همان‌جا شروع می‌کند، اما دست تقدیر او را دوباره به مشهد می‌آورد. دوازده سال است که به مشهد بازگشته‌ام. متولد مینودشت هستم. سه‌ساله بود که به مشهد آمدم. اما وقتی در شانزده سالگی ازدواج کردم، دوباره از مشهد رفتم و تقدیر این بود که با همسرم دوباره برگردم. تمام دوره‌های آموزشی را در تهران گذراندم. کلی آزمون و خطا کردم و کلی در فضای مجازی گشتم تا چیزهای جدید یاد بگیرم و کار را به‌روز کنم. شکر خدا الان می‌توانم ادعا کنم که توان ارائه کارهای خاص و کمتر دیده شده‌ای را دارم که برای مخاطبان جذاب است. همین هم تبلیغ کارم شده است و خیلی‌ها با دیدن تزئین و طراحی یک سفره یا بادکنک آرایشی مراسم می‌گیرند و مشتری‌ام می‌شوند. البته که من نگاه مشتری‌گونه به مراجع کنندگان ندارم. همیشه سعی کرده‌ام با کمترین هزینه کار را برایشان انجام دهم. چون به طرخی که می‌زنم به عنوان خلق یک هنر نگاه می‌کنم که با علاقه آن را انجام داده‌ام.

فاطمه بختیاری | مثل خیلی از دهه شصتی‌ها که از دوران دبیرستان هنرنامه‌هایی خودشان را روی می‌کنند و هم شروع به رو کردن هنرهایش می‌کند. از انواع کیک و شیرینی‌ها بگیرد تا دوخت و دوز لباس‌های مختلف را تجربه می‌کند. از شانزده سالگی که راهی خانه شوهر می‌شود کم‌وبیش به هنرهایش می‌رسد، اما مادری سه‌پسر که الان یکی ۲۴ ساله و یکی ۲۰ ساله و دیگری ۶ ساله است خیلی نمی‌گذارد که به هنر جدی فکر کند. پسرها که بزرگ‌تر می‌شوند راه‌برایش هموار می‌شود و شروع می‌کند و سی سالگی نقطه شروع او می‌شود؛ شروع دوباره هنرنمایی در دیزاین انواع سفره‌ها و بادکنک آرایشی مراسم‌های مختلف.

اعظم طالع زاری می‌گوید: از ۱۲-۱۳ سالگی به هنر علاقه داشتم و در خانه فعالیت‌هایی انجام می‌دادم. به قول برادرم، هر چه توانستم، کیک خمیر به خوردشان دادم! اما از ۳۰ سالگی هنر را به صورت حرفه‌ای شروع کردم و به دنبال گرفتن مدرک و گذراندن دوره‌های آن رفتم. واقعا به این حرفه و هنر علاقه داشتم. شروع کارم هم با یک سفره آرایشی بود. برای مراسم عقد خواهرزاده‌ام یک سفره جمع‌وجور می‌خواستند که با حداقل امکانات چیده شد. هر که دید تعریف کرد و همین مشوق من شد که به کلاس‌های تزئین و سفره آرایشی بروم.



یک تزئین کم‌خرج یلدایی

برای چیدن سبدها که حدود نیم ساعت زمان می‌برد به این مواد نیاز دارید:

- گل خشک ۷ شاخه (از هر گل یا برگ خشکی که در دسترس شماست می‌توانید استفاده کنید، حتی از گل‌های مصنوعی هم که در خانه دارید می‌توان استفاده کرد.)
- گل پنبه ۷ عدد (از بازار گل می‌توانید بخرید.)
- گل پامپاس یک شاخه (این یکی را هم از بازار گل می‌توانید بخرید.)
- اسفنج گل طبیعی ۳ عدد
- یک سینی متوسط (بهتر است در حد چند سانتی‌متر لبه داشته باشد.)
- شمع بلند ۳ عدد
- میوه کاج ۳ عدد (خوب بگردید در پارک‌ها پیدا می‌کنید.)
- میوه‌های یلدایی شامل کیوی ۳ عدد، سیب ۳ عدد، پرتقال ۳ عدد و انار دانه‌شده که در دو جام یا پیاله کریستالی بریزید. (این میوه‌ها پیشنهادی است و اگر خواستید می‌توانید از دیگر میوه‌هایی که در دسترس شماست استفاده کنید.)
- خلال برای ثابت کردن میوه‌ها به مقدار لازم.

برای امشب که شب یلداست و یک شب خاص برای همه خانواده‌ها محسوب می‌شود، از خانم طالع زاری خواستیم که یک سبدها جمع‌وجور و کم‌خرج که در خانه بتوان آن را چید، به ما آموزش بدهد. این سبدها تقریباً برای پنج نفر در نظر گرفته شده است. البته خیلی روی میوه‌های آن برای خوردن حساب نکنید؛ بیشتر یک تزئین شیک است که گوشه سفره بگذارد و کلی به آن نیاز دارد، چون حاصل دست و پنجه هنرمند خودتان است.



داماد نمی‌دانست چه کند!

چیدمان انواع سفره عقد، سید و سفره شب‌بلا، گل آرایی مراسم شادی و غم، یادکنک آرایی جشن تولد ها و مولودی ها و چیدمان هایی از این قبیل، هنرنمایی است که سال هاست خانم طالع زاری انجام می‌دهد. اما نکته مهمی که در این سال ها همراه با کارش داشته، آموزش بوده است؛ آموزشی که بدون دریافت هیچ هزینه‌ای ارائه می‌دهد. «هرچه که بلد هستم رابه خانم هایی که علاقه دارند یاد می‌دهم و وقتی می‌بینم علاقه و استعدادش را دارم به آن ها پیشنهاد می‌کنم که برای گرفتن مدارک هم اقدام کنند. این طور نیست که چیزی را از چشم هنرآموزان پنهان کنم که یک وقت روی دست خودم بلند نشوند، نه! هرچه هست و نیست را می‌گویم. خیلی وقت ها می‌گویم کنار دستم بیایند و هم آن ها به من کمک کنند و هم من هرچه بلد هستم رابه آن ها یاد بدهم. الان خیلی از خانم هایی که کنار دستم کار را یاد گرفته اند در تالارها مشغول گل آرایی هستند. یک خاطره جالب هم از یک مراسم عقد دارم. عروس و داماد ساداتی بودند. آقای داماد نوزده ساله و عروس خانم چهارده ساله بود. بعد از جاری شدن خطبه عقد، طبق روال سینی اسپند برای عروس و داماد بردیم که طبق رسوم باید آقای داماد مقداری از اسپند برداشته و دور سر عروس خانم بچرخاند و روی زغال های داخل منقل برای شگون و محفوظ ماندن عروس خانم از چشم زخم بریزد که آقای داماد اسپند را برداشت و روی سر عروس خانم چرخاند ولی به جای اینکه روی زغال های داخل منقل بریزد، ریخت روی سر عروس خانم. کل مهمانان خندیدند و همین طور عروس خانم، آقای داماد هم با خنده گفت خب من نمی‌دانستم که باید چه کار کنم. این یکی از خاطرات جالبی بود که از سالن دارم.»

همسری همراه

این بانوی هنرمند یکی از دلایل موفقیت خود را همراهی همسرش می‌داند. «دوسالی می‌شود که همسر من، که فرهنگی است، به من کمک می‌کند و با هم طرح ها را اجرا می‌کنیم. کار ما به گونه‌ای است که به تنهایی نمی‌توان انجام داد و به همراهی یک مرد نیاز دارد؛ این همراهی را همسر من با من دارد. او از همان ابتدا مشوق اصلی من بود و همیشه همراهی ام می‌کرد. این همراهی را هرگز فراموش نمی‌کنم. همسر من کمک می‌کند تا من پیشرفت کنم و این همراهی در روند رشد من بسیار مؤثر است. از همان اول برای رفت و آمد به کلاس ها همراهی ام می‌کرد و هیچ وقت برای پرداخت هزینه ها مانع نمی‌شد.»

به روز و دست به خیر

خانم طالع زاری برای به روز بودن، همیشه فضای مجازی را رصد می‌کند و از طرح های خاصی که به او پیشنهاد می‌شود استقبال می‌کند. زیرا معتقد است که کارهای نو و جدید باعث رشد او می‌شود. این بانوی هنرمند که در کارهای خیر نیز فعالیت دارد، در حال حاضر مدیریت سالن مراسم های کانون فرهنگی و تبلیغی «مهرانا» را بر عهده دارد. این کانون در راستای ازدواج آسان جوانان فعالیت می‌کند. بسیاری از مراسم های عقد و عروسی این سالن با کمترین هزینه و در برخی موارد با توجه به شرایط مالی زوجین، رایگان برگزار می‌شود.



برای تزیین سبدا این کارها را باید انجام دهید:

- ابتدا اسفنج ها را در آب بگذارید تا خیس بخورد.
- در سینی مدنظر، اسفنج های خیس را بگذارید.
- چون خیس هستند، تکان نمی‌خورند و ثابت می‌مانند.
- برگ های خشک را اطراف اسفنج ها فرو کنید.
- میوه ها را با خلال چوبی در اسفنج فرو کنید.
- لابه لای میوه ها را با گل پنبه و دیگر تزییناتی که دارید، بپوشانید.
- شمع ها را به سلیقه خودتان وسط یا سه طرف کار بگذارید.
- در آخرین مرحله دو جام انار را دو طرف سینی بگذارید.
- شمع ها را روشن کنید و دور هم یک یلدا ای خوب را بگذارید.

نکته

از آنجایی که خانم طالع زاری با دست مالی میوه ها و برش دادن بیش از حد آن ها مخالف است پیشنهاد می‌کند کیوی ها را برش هفت و هشتی بدید و پوست پرتقال را بدون شکستن، مانند سیب پوست بگیرد و در انتها به شکل گل جمع کنید.



دست زدن ممنوع!

بررسی معضلات آرایش کردن بچه‌ها که بر شخصیت آن‌ها اثر می‌گذارد

● **ریحانه بنزاده** همه چیز بایک کلیک شروع شد! دیدن کلیپ‌های آموزشی آرایش کودکان در شبکه‌های اجتماعی، حتماً فکر می‌کنید خانمی ایستاده است و به کودکان آموزش آرایش می‌دهد؟! خیر. متأسفانه نکته اینجاست که از کودکان برای آموزش میکاپ عروسی و یا تولد استفاده شده بود. البته ماجرا مفصل‌تر از این حرف‌هاست و به خیلی قبل‌تر برمی‌گردد که در ادامه بیشتر در باره آن صحبت می‌کنیم.

آرایش کردن شونند و مراقبت می‌کنند تا چنین وسایلی در سبد خرید فرزندشان قرار نگیرد. اما مگر می‌شود موجی بیاید و فقط تعدادی را خیس کند؟ یکی از مادرانی که نگران این موضوع بود می‌گفت: دخترم را به تولدی بردم که بیشتر بچه‌ها در آن تولد آرایش داشتند. شب که به خانه برگشت دیدم ناراحت است. دلیلش را که پرسیدم، گفت: «بیشتر بچه‌ها آرایش داشتند، چرمان آرایش نکردم؟» مادری دیگر نگران بازی‌های تبلت و گوشی بود که با همین موضوع آرایش کردن است و به راحتی توسط خانواده‌ها برای کودکان نصب می‌شود. حال سؤال این است که این رنگ‌های روی صورت با جهان کودکان چه می‌کند؟ قطعاً مسائل شخصیتی، خانوادگی و اجتماعی زیادی در این موضوع وجود دارد. به همین دلیل، سراغ کارشناسی رفتیم که مدت‌های زیادی روی این مسئله تحقیق کرده است. با او در باره مسئله آرایش کردن کودکان و آسیب‌ها و راهکارهای حل این معضل هم صحبت شده ایم.

آسیبی که پنهانی وارد خانه شد

نجمه ابراهیم‌زاده، کارشناس و مشاور خانواده، ما را بیشتر در جریان این معضل خانوادگی و اجتماعی قرار می‌دهد. می‌گوید: «چند سالی است که شاهد تغییراتی در روند تربیت دختران هستیم که به لحاظ ملی و فرهنگی بسیار متفاوت است. ابتدا در اسباب‌بازی‌های دختران، وسایلی مانند رژ لب پلاستیکی، ششوار اسباب‌بازی، برس پیچ و... به عنوان ابزاری برای سرگرمی دختران به بازار آمد که بسیار با استقبال کودکان روبه‌رو شد. درست است که

نوهستند! ایجاد سالن‌های زیبایی برای کودکان آن هم به صورت تخصصی! قیمت‌های عجیب‌غریب میکاپ تولد و عروسی برای بچه‌ها که با استقبال زیاد خانواده‌ها روبه‌رو است. جمله‌ای که مرا حیرت زده کرد این بود که در تماس تلفنی که بایکی از این سالن‌ها گرفتم، خانم آرایشگر گفت: تمام وقت‌های روزهای آتی پر است. گویا داغی بازار کودکان کم از بزرگسالان ندارد! آن روز که با خانم آرایشگر صحبت کردم پرسیدم چه شد تخصصی کار کودکان را شروع کردید؟ گفت: ما به نیاز جامعه نگاه می‌کنیم، هر چه مد باشد با آن پیش می‌رویم! بعد هم ادامه داد: الان فقط برای مراسم تولد و عروسی شلوغ نیستیم، جشن‌ها، لووین و کریسمس هم مادرها، بچه‌ها را می‌آورند. خود بچه‌ها هم دوست دارند و ساعت‌ها می‌نشینند، تازه بعضی‌ها ایشان نظر هم می‌دهند و مدل‌های عجیب‌غریب می‌خواهند. یکی‌شان همین تازگی آمده بود و به ما مانش می‌گفت: مثل عمه زیتا بگورستم کنه! جالب است که در جشن پایان سال مهد دخترم، تعدادی از بچه‌ها آرایش کرده بودند. آنجا بود که فهمیدم این ماجرا سر از مهد کودک‌ها و مدارس خصوصی هم در آورده است. وقتی دخترم را به باشگاه ورزشی بردم، موهای رنگ شده دخترش سه‌ساله‌ای تو جهم را جلب کرد. با مادرش هم کلام شدم و دلخور بود که به خاطر مدرسه رفتن، نمی‌تواند جلوی موی دخترش را رنگ کند. پرسیدم: «موهای خودش قشنگ‌تر نبود؟ از این رنگ می‌کنید آسیب نمی‌بیند؟» نگاهی به من انداخت و گفت: «فکر کنم شما هنوز در عوالم دهه پنجاه هستی!» اما در این میان مادرانی هم هستند که به قول آن خانم دهه پنجاهی هستند و نمی‌خواهند دخترانشان از کودکی درگیر

چیز مهمی نیست، اسباب‌بازی هستند!

همیشه مغازه‌های سیسمونی‌فروشی از مکان‌های جذاب برای مادران است که می‌توانند وسایل مورد نیاز نوزادشان را خریداری کنند. متأسفانه در این سال‌ها چیزهای دیگری به سیسمونی نوزادان اضافه شده است، از جمله خرید میز و لوازم آرایش!

حالا سؤال این است که آیا این وسایل برای نوزادی که تازه متولد شده است ضروری هستند یا خیر؟ شاید زمانی که اسباب‌بازی‌فروشی‌ها محل فروش چمدان‌های تزیین شده لوازم آرایش کودکان شد، زنگ خطر به صدا درآمده بود. اما مادران فریفته رنگ و لعاب دخترانه آن شدند و اتاق بچه‌ها را از وسایل بزرگانه پر کردند!

مگر می‌شود رسم و رسوم‌ها را از بر پا گذاشت؟ این را وقتی از خانم بارداری که با مادرش در حال خرید میز و وسایل میکاپ کودکان بود، شنیدم. او می‌گفت: «خیلی چیز مهمی نیست، اسباب‌بازی هستند!» به یک لوازم آرایشی که اشاره کردم، گفت: «این‌ها از مواد مضر درست نشده است.» مواد مضر را که می‌شنوم، مویم سیخ می‌شود و کهیر می‌زنم از بس این کلمه تکراری را شنیده‌ام، چه در سوپرمارکت‌ها و چه در لوازم آرایشی‌فروشی‌ها که همه ادعا دارند اجناس ما مضر نیستند!

بگو مثل عمه زیتا درست کنه!

همه چیز مثل یک سرنخ بود که به دستم افتاده بود. چند روز بعد دیدم ماجرا بیشتر از رسم و رسوم است، گویا همیشه افرادی هستند که در بازارها به فکر خلق حرفه‌های تازه و

به او توضیح دهید که آرایش برای پوستش ضرر دارد

اگر با اصرار زیاد فرزندتان مواجه شدید، تنها به خرید کرم مرطوب کننده و بالم لب برای تقویت پوست لب بسنده کنید و آن را محدود به زمان مشخصی کنید تا استفاده از این اقلام هم برای او به صورت عادت در نیاید.

جلوی چشم کودکان آرایش نکنید

برای کودکان توضیح دهید که شما به عنوان یک فرد بزرگسال کارهای زیادی می‌توانید انجام دهید، اما او نمی‌تواند. ابتدا برای توضیح دهید که کارهای مربوط به بزرگ‌ترها، یعنی چه. سپس به او بگویید استفاده از لوازم آرایشی هم یکی از این کارهاست. اما هرگز نگویید آرایش کردن کار بدی است، زیرا این سؤال برای کودک مطرح می‌شود که پس چرا شما آرایش می‌کنید!

آری یا خیر!

به درخواست کودکان برای آرایش

این کارشناس خانواده پیشنهادهایی درباره طرح این سؤال دارد که اگر دخترم درخواست استفاده از لوازم آرایش کرد من چه بگویم یا چه کار کنم؟ آیا به او لوازم آرایش بدهم یا نه؟ راهکارهای پیشنهادی او عبارت‌اند از:



کوتاه به سیر تغییرات به وجود آمده داشته باشید، خواهید دید که چگونه دختری زیبا با پوست شفاف، به دختری تبدیل می‌شود که تمام دغدغه‌اش زیبا کردن خود با لوازم آرایش است. من این فرایندها را نگران کننده می‌بینم و هشدار می‌دهم برای والدین؛ به هوش باشید دختر شاد و پرانرژی را وارد دنیای بزرگانه خود نکنید! او باید تنها دغدغه‌اش بازی باهم سالان یا با اسباب بازی‌هایی باشد که بتواند بیشتر او را به حرکت درآورد، نه اینکه با دوستانش در یک جا بنشیند و با استفاده از لوازم آرایشی وارد بازی‌های بزرگ‌ترها شود!

وارد بازار شد. سپس تغییراتی در بازار فروش لوازم دخترانه ایجاد شد؛ تغییراتی که بچه‌ها را بسیار هیجان زده‌تر از قبل نشان می‌داد. سالن زیبایی ویژه کودک که شامل میز آرایش، انواع سایه‌ها، آینه و... با رنگ‌های کودکانه و جذاب می‌شد. در این سالن‌ها تمام فعالیت‌هایی که در یک سالن زیبایی بانوان انجام می‌دهند برای بچه‌ها انجام می‌شود، منتها با یک تغییر کوچک و آن استفاده از لوازم آرایش مخصوص کودکان است که بی‌ضرر بودن آن‌ها فریبی بیش نیست!

این مشاور خانواده در ادامه می‌افزاید: «اگر نگاهی

همه این‌ها جنبه اسباب بازی و سرگرمی داشت، اما یک آسیب‌راییه صورت پنهان وارد زندگی کودکان مامی کرد. این آسیب، عادی سازی رفتار بود که کودکان را ترغیب به انجام فعالیت‌هایی می‌کرد که از دنیای کودکی خود فاصله گرفته و شبیه بزرگ‌ترها می‌شدند؛ بزرگ‌ترهایی که هویت را در رنگ و لعاب بیشتر می‌دیدند.

همچنین به مرور زمان با تبلیغاتی که در اینترنت و فضای مجازی شد، فرهنگ استفاده از لوازم آرایشی مخصوص دختران رواج یافت و محصولات با عنوان‌هایی مانند رژ لب مخصوص کودکان، کرم پودر مخصوص کودکان و...



۳ بحران هویت
 زمانی که کودک احساس خودارزشمندی نداشته باشد و دچار بلوغ زودرس نیز شده باشد، این فرایند او را بسیار دچار دوگانگی می‌کند.

۲ بلوغ زودرس
 استفاده از لوازم آرایش، کودک را وارد دنیای بزرگ‌ترها کرده و سبب بلوغ زودرس آن‌ها می‌شود.

۱ کاهش عزت نفس
 به این معنا که من زیبا نیستم و برای اینکه دیده شوم باید در چهره خود تغییراتی ایجاد کنم تا محبوب اطرافیانم شوم.

آسیب‌های رفتاری
 به گفته نرجه ابراهیم‌زاده، نتیجه این فرایندها کمی ترسناک است، چرا که آسیب‌های عجیبی را به دنبال دارد که عبارت‌اند از:



غوطه در تفریحات دخترانه

دهه هشتادی‌ها از رفتارهایی می‌گویند که مانع تفریح آن‌ها می‌شود

● محیا جعفری | فرقی نمی‌کند که شما دهه شصتی یا دهه هشتادی باشید، چون در هر مقطع سنی انسان‌ها به یک سری تفریحات علاقه‌مند هستند که دوست دارند تجربه کنند. اما شاید نتوانند و به بزرگ‌ترین حسرتشان تبدیل شود. به خصوص اگر در دوران نوجوانی و جوانی باشد! در این پرونده از دهه هشتادی‌ها دنبال همین موضوع رفته‌ایم: تفریحات دختران دهه هشتادی. قرارمان را با شش دختر دهه هشتادی گذاشتیم تا بیایند و از تفریحاتی که دارند، ندارند و دوست دارند داشته باشند صحبت کنیم. سه نفرشان آمدند و سه نفر دیگر نیامدند. ما با آن‌هایی که آمدند به گفت‌وگو نشستیم و از علایق و سلایق تفریحاتی آنان نوشته‌ایم.

● تفریح با اجازه بزرگترها!

نفیسه رحمتی، یک دختر شانزده ساله با ذوق هنری زیاد است که در این مقطع، تفریح را در کافی شاپ رفتن می‌بیند. فضای کافی شاپ به نفیسه حس خوبی از جنس‌رهایی می‌دهد، حتی تنهایی رفتنش هم برایش لذت بخش است. اما وقتی با دوستانش می‌رود، نوشیدنی‌های مورد علاقه‌شان که حتما داخلش قهوه و شکلات باشد، سفارش می‌دهند. خودش می‌گوید: «حسابی حال می‌دهد». البته باید اضافه کرد که روند اجازه گرفتن از والدینشان خیلی سخت است! در این طور مواقع والدینشان می‌گویند: «برای خودت برنامه نگذار، هر وقت که صلاح بدانی بروم می‌گویم». اما معمولاً فراموش می‌کنند که خبر بدهند و او باید مدام یادآوری کند که: «مامان یا بابا، روز پنجشنبه می‌توانم با دوستانم به کافه بروم یا نه؟» انسیه بلوکی، دختری پانزده ساله‌ای با چهره‌ای آرام و مهربان، می‌گوید: «من در گرفتن اجازه از پدر و مادرم مشکلی ندارم.

زیرا از کلاس هشتم به بعد، والدینم آزادی بیشتری به من دادند. البته شخصیت من هم تغییر کرده و مذهبی‌تر شده‌ام. مادرم با من برای بیرون رفتن هماهنگ است زیرا پدرم نسبت به مادرم سخت‌گیرتر است و برای او مهم است که کجایم و روم و با چه کسی هستم. اما اگر پدرم نخواهد که من بیرون بروم، فقط می‌گوید «نه» و به هیچ طریقی دیگر راضی نمی‌شود! ستایش احمدی که شانزده سال دارد معتقد است که تفریحاتمان باید به گونه‌ای باشد که کمک کند سبک زندگی بهتری داشته باشیم و در ادامه می‌گوید: «من خودم خیلی کتاب خواندن یا تنهایی قدم زدن را ترجیح می‌دهم چون فکر می‌کنم یک نوع تفریح خوب برای من است، البته کمتر پیش می‌آید که با خودم تنها باشم.»

● تفریح با خانواده یا دوستان!

اینکه با چه کسی به تفریح می‌روید هم مهم است شاید همه فکر کنند نوجوانان در این سن فقط انتخابشان دوستانشان

باشد، اما ستایش پاسخ این سؤال را متفاوت جواب می‌دهد و می‌گوید: «اول از همه بستگی دارد کجا بخواهم بروم، اما تفریح کردن با خانواده را دوست دارم و صمیمیت جمع خانواده را به دوستانم ترجیح می‌دهم. تا به حال با پدرم به صورت پدر و دختری و با خاله‌ام دونفره به کافی شاپ رفته‌ام. سخت‌گیری مادرم برای بیرون رفتن من با دوستانم بیشتر است ولی پدرم برای بیرون رفتن با دوستانم پایه‌تر است.» انسیه هم می‌گوید: «من کافی شاپ رفتن را هم با مادرم و هم با دوستانم انتخاب می‌کنم و نمی‌توانم یکی را انتخاب کنم چون در هر دو حالت به من خیلی خوش می‌گذرد.»

● تفریح و حسرت‌های دخترانه

حسرت تفریح خاصی را دارید؟ این سؤال است که از آن‌ها می‌پرسم. نفیسه، انسیه و ستایش می‌گویند: «خیلی دوست داریم مانند دوستانمان مسافرت دوستانه تنها و بدون خانواده برویم.» انسیه می‌گوید: «در کنار مسافرت تنها رفتن، خیلی

تفریح
هزینه
می‌خواهد!

قطعا برای تفریح کردن باید هزینه کرد. اما نوجوانان معمولاً در این ماه به عنوان ماهانه یا حتی هفتگی بگیرند. نفیسه و ستایش ماهانه ندارند، اما انسیه هر ماه پدرش مبلغی را به عنوان ماهانه به حسابش واریز می‌کند، ولی نمی‌تواند زیاد از آن برای تفریح استفاده کند چون پیامک برداشت از حساب برای پدرش می‌رود! نفیسه هم می‌گوید: «اگر نیاز نداشته باشم خوراکی نمی‌خرم تا بتوانم آن پول را برای کافه رفتن هزینه کنم.» هر سه نفر می‌گویند که در واقع هزینه جداگانه‌ای از نفیسه می‌پرسم اگر پول بیشتری داشته باشی به غیر از کافه رفتن چه کاری انجام می‌دهی؟ می‌گوید: «برای خودم گل‌رز یا بونونه می‌خرم چون قطعاً پدرم هزینه‌اش را می‌دهد. اما اگر این پول را برای تفریح بخواهم قطعاً نمی‌دهند!»

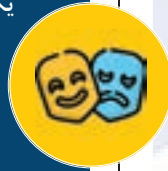


+ گوشه

۶ تفریحی که دختران به آن نیاز دارند

تئاتر یا سینما

یکی از سرگرمی های محبوب نوجوانان، تماشای تئاتر یا رفتن به سینما به همراه خانواده یا دوستان است. نوجوانان تمایل دارند به عنوان اولین نفرات فیلم های جدید در حال اکران را تماشا کنند. اگر سینما رفتن به همراه خانواده باشد خیلی برای نوجوان لذت بخش است؛ چرا که خانواده در تماشای فیلم مورد علاقه اش همراهی اش می کنند حتی اگر خودش آن فیلم را دوست نداشته باشند.



قرارهای پدر دختری یا مادر دختری

یک روز رادر هفته مشخص کنید و دختر خود را به کافی شاپ مورد علاقه اش ببرید و بگذارید سفارش نوشیدنی به سلیقه او باشد. ساعت ها بنشینید و درباره موضوع های مختلف با او صحبت کنید و بخندید. با این کار شما به عنوان یک پدر یا مادر آگاه به او یاد می دهید از فضای کافی شاپ می تواند استفاده مفید کند و از همه مهم تر او می داند هر زمان نیاز داشته باشد برود کافی شاپ می تواند اول به پدر یا مادر خود بگوید. کافی شاپ رفتن ترسی ندارد به شرط اینکه ترسش را ابتدا برای خودتان و بعد برای فرزندتان بشکنید.



سفرهای خانوادگی

یکی از بهترین راهکارها برای قوی تر کردن پیوند اعضای خانواده، ایجاد صمیمیت بیشتر سفرهای خانوادگی است. حتما برای این نوع سفرها اجازه دهید نوجوان شما مقصد را تعیین کند تا قدرت تصمیم گیری در نوجوان پرورش پیدا کند و نیز برای زندگی آینده هم آمادگی پیدا می کند. هنگامی که نوجوان مقصد را انتخاب کرد حتما به او بگویید؛ تصمیم خود را با دیگر اعضای خانواده به اشتراک بگذارید چرا که یاد می گیرد به تنهایی تصمیم نگیرد. حتی سفر کردن باعث تقویت حس مسئولیت پذیری در نوجوانان می شود.



طبیعت گردی و پیک نیک

طبیعت گردی لحظاتی ناب را به شما و فرزندانتان هدیه می دهد که هیچ وقت خاطره شیرینش از ذهن نوجوان پاک نمی شود. چی بهتر از اینکه نوجوان با پدر و مادر خود پیاده روی، کوه نوردی، ماهیگیری، جمع شدن دور آتش، چادر زدن و صحبت کردن را تجربه کند. این همراهی والدین حس امنیتی را به فرزند می دهد که شاید دفعات بعد هم نوجوانشان تمایل داشته باشد با والدینش به پیک نیک برود. حتی شما به عنوان یک پدر یا مادر پایه می توانید در انتهای شب یا نزدیک صبح کمی در آسمان ماجراجویی کنید. به بحث و تبادل نظر درباره ستاره ها بپردازید و اطلاعات همدیگر را تکمیل کنید!



شهر بازی

نوبتی هم باشد، نوبت هیجان است. رفتن به شهر بازی یک پیشنهاد جذاب تفریحی برای نوجوان است. چرا که در این سن نیاز دارند چنین تجربه هیجان انگیزی داشته باشند. در خردسالی بچه ها با کمک پدر و مادر سوار وسایل می شوند، اما در نوجوانی می توانند وسایل هیجان انگیز را همراه با پدر و مادر سوار شوند و تا جای ممکن انرژی خود را تخلیه کنند. حتی شهر بازی گزینه خوبی است برای اینکه با دوستان خودشان بروند.



رویدادهای ورزشی

شاید نوجوان شما از دسته افرادی باشد که به ورزش خاصی علاقه مند است یا باز یک خاصی را ستایش می کند، پس می توانید او را با بردن به ورزشگاه شاد کنید و حس ارزشمند بودن را به او هدیه دهید. فرقی نمی کند نوجوان دختر است یا پسر چون حتی ممکن است دختر خانم نوجوان شما علاقه مند به تماشای فوتبال باشد!



پدرها از کافی شاپ می ترسند

در صحبت های دو تا از دختران جمع متوجه شدم که پدرانشان از کلمه کافی، کافه، بدشان می آید و کافی شاپ را با کافه قلیان اشتباه می گیرند. دختران معتقدند پدرانشان هنوز به کافی شاپ رفتن واکنش منفی نشان می دهند، می گویند: «بابا دوستانمان وقتی به کافی شاپ می رویم نوشیدنی های خوشمزه و فانتزی سفارش می دهیم و باهم از موضوع های مختلف صحبت می کنیم، درد دل می کنیم یا باهمدیگر می خندیم. حتی شاید بعضی مواقع به خاطر وجود این محدودیت ها به پدرانشان راستش را نگوئیم که می خواهیم بیرون برویم و به قول معروف می بیچونیم، اما مادرانمان کاملادر جریان بیرون رفتنمان هستند. از آن های پرسر عجب ترین تفریحات هم سن و سالانمان چیست؟ پاسخ این سؤال کمی قابل حدس بود و هر سه نفر گفتند: هم کلاسی های ما به پارتی، مهمانی مختلط، باغ کافه قلیان و کافی شاپ با جنس مخالفشان می روند. معمولا عکس ها و ویدئوهایشان را داخل فضای مجازی می بینیم و واقعا تعجب می کنیم که چگونه پدر و مادرشان اجازه چنین تفریحاتی را می دهند؟! نفیسه، ستایش و انسیه اصلا دوست نداشتند چنین تفریحاتی را به هیچ عنوان تجربه کنند.

دوست دارم از ایشگری رایا بگیرم و کار کنم اما پدرم خیلی با این موضوع مشکل دارد. ستایش و نفیسه می گویند: «خیلی دوست داریم کلاس های بازیگری یا تئاتر بگیریم اما پدر و مادرمان معتقدند فضای مناسبی ندارد. علاوه بر این نفیسه می گوید: «تنهایی بیرون رفتن، کافه رفتن، قدم زدن و موسیقی گوش دادن بدون هیچ کس، خیلی برای من لذت بخش است و دوست دارم تجربه کنم و در تنهایی خودم به گذشته و آینده ام فکر کنم. «نفیسه می گوید: «یکی دیگر از تفریحاتی که حسرتش را دارم این است که بروم گیم نت بازی کنم و یا اینکه فوتبال بازی کنم. «ستایش می گوید: «خیلی دوست دارم در کنار کلاس بازیگری به کلاس بوکس بروم.»

به من بیشتر اهمیت دهند

«بعضی مواقع حتی نمی توانم داخل یک دفتر چیزی برای خودم بنویسم که شخصی باشد چون قطعاً بعد از آن راجه، مادر می خواند و این بی احترامی به من نوجوان است! «یکی از دختران دیگر جمع می گوید: «مادرم از من یک لحظه جدا نمی شود و مدام می خواهد بداند داخل گوشی من چه خبر است؟ وقتی به او می گویم و از اتاق خارج می شود حس تحقیر شدن دارم. خیلی سعی کردم اعتماد سازی کنم اما نشده است. به نظر می رسد در همین تفریح دخترانه هم یکسری کم و کاستی هایی وجود دارد که ستایش را ادامه می گوید: «بزرگ ترین کاستی مادر تفریحات دخترانه مان این است که حس آزادی نداریم و مدام وسط تفریح کردن استرس داریم که مادرانمان تماس بگیرند و بگویند: چه کار می کنی؟ کجایی؟ کی میای خونه؟ «نفیسه اضافه می کند: «همیشه دنبال آزادی، استقلال و اهمیت بیشتر هستم که به من دختر بیشتر از برادر ۲۶ ساله ام اهمیت دهند!»

بیرون رفتن بستگی به ظاهر دوستانمان دارد

«اجازه گرفتن از والدین برای بیرون رفتن بدون آن ها کار سختی است، چون برای آن ها ظاهر دوستانمان خیلی مهم است. «این را همه دختران جمع می گویند و ادامه می دهند: «برای والدینمان مهم است حتما دوستانمان چادری باشند. «ستایش می گوید: «این رفتار والدینم باعث می شود من یک آدم ترسو در جامعه باشم. «انسیه می گوید: «این قضیه دردناک و غیر اخلاقی است چون بعضی از دوستانم که چادری نیستند ولی از همه لحاظ خوب هستند، اما برای خانواده ملاک فقط ظاهر است.»

حرف هایمان که تمام می شود دخترها انگار که باری از روی دوششان برداشته شده باشد سبک و راحت می شوند. شاید باید جایی پیدا می شد تا حرف هایشان را از کم و کاستی هایی که برای تفریح دارند بشنود. البته که من امیدوارم بعد از این شنیدن و نوشتن، نه تنها والدین آن ها بلکه تمام والدینی که در خانه دختر نوجوان و جوان دارند این حرف ها را بخوانند و بیشتر مراقب حال خوب دختر در دانه شان باشند.

والدین محترم؛ لطفا آیدیت شوید!

گفت وگویی کارشناسانه درباره حل مشکل تفریح که چالش بسیاری از خانواده ها با دخترشان است



ترس کافه رفتن را بشکنید

بعضا نوجوانان دوست دارند در زمان های آزادشان فیلم تماشا کنند، سینما بروند یا کافه بروند که این را برای خودشان تفریح تعریف می کنند. من حتی به پدران توصیه می کنم برای بهبود رابطه پدر دختری شان، روز پدر و دختری داشته باشید و دوفنری با هم کافی شاپ بروید و قهوه سفارش بدهید و با همدیگر میل کنید. با انجام این کار ترس کافه رفتن برای والدین می شکند یا حتی چون دختر خانم با یک فرد ایمن یعنی پدرش به آن محیط رفته و می فهمد که محیط کافی شاپ می تواند برایش مفید باشد. اگر کافی شاپ یا کافه کتاب بد بود که الان رایج نبود! اما این ها دو لبه تیغ هستند یعنی می تواند هم مثبت و هم منفی باشد. حتی والدین یا فرزندان نوجوانان می توانند وارد گروه های طبیعت گردی و کوهنوردی شوند و با همدیگر تجربه کنند یعنی آنچه که فرزندان از این گروه ها در اینستاگرام می بینند، می تواند با پدر و مادرش تجربه کنند. هیچ اشکالی ندارد والدین وارد شوند چون فرزندان می بینند که کوهنوردی یا طبیعت گردی علاقه مشترک است.

سبک های تربیتی تأثیرگذار است

در عین حال باید والدین استقلال نوجوان را در نظر بگیرند یعنی مدام نوجوان با والدینش نباشد و با دوستانش هم در یک محیط امن وقت بگذرانند. هنگامی که ریشه ها در خانواده محکم باشد، یعنی در مقابل کافه رفتن نوجوان با دوستانش جبهه نگیرند در عوض قبلا پدر یا مادر خودشان با فرزندشان کافه رفته اند و می دانند اگر با دوستانش هم بروند یک تفریح سالم را قرار است تجربه کند و در یک محیط امن با دوستانش دور همدیگر جمع می شوند.

احترام به حریم خصوصی نوجوان

نوجوانان به حریم خصوصی احتیاج دارند یعنی فشار از سمت والدین باید کم باشد. به عنوان مثال ممکن است نوجوان فیلم هایی را معرفی کند که مورد علاقه والدینش نیست، اما همراهی اش می کنند و شنونده تعریف های نوجوان می شوند و حتی اگر فیلم نکاتی داشت کمی انعطاف پذیری از خود نشان دهید و آن را بپذیرید، چون این خاصیت سن نوجوان است. انعطاف پذیری از سمت والدین باید باشد تا بچه حتی از عنوان کردن اسم فیلم وحشت نکند و از سمت والدین احساس امنیت کند و ترجیح ندهد همان فیلم را با دوستانش ببیند. البته در همین پویانمایی ها چیزهایی القا می شود که با فرهنگ ما هم خوانی ندارد و والد باید نظارت هم داشته باشد و فضای گفت وگور ایجاد کند و شخصیت های فیلم را با نوجوان خود تحلیل کنند و نظرش را بپرسند. بنابراین کنترل کردن باید با صحبت کردن باشد و پیشنهاد می کنم حتما والدین در این مسیر از همراهی یک مشاور استفاده کنند.

با فرزندم اشتراکاتی پیدا کنم

معمولا دختران نوجوان در مقایسه با یک دختر جوان ۲۳ ساله، استقلال کمتری دارند. اما با توجه به شرایط فعلی و نیازهایی که نوجوانان دارند، والدین باید خودشان را به روزرسانی کنند. معیار ما یک نوجوان سالم است که باید دارای هویت باشد و خودش را بشناسد؛ یعنی به علاقه مندی هایش شناخت داشته باشد، بتواند برنامه ریزی کند، با افراد روابط بین فردی خوبی برقرار کند و در جمع هم سالانش عضو یک گروه فعال و پویا باشد. ما اکنون در باره یک نوجوان امروزی صحبت می کنیم؛ یعنی شبکه های مجازی خیلی پررنگ، ماهواره و اینستاگرام که با یک گوشی کوچک در دسترس همه این برنامه ها قرار می گیرد. بنابراین نوجوان همه این ها را دارد. پس من مادر باید سواد رسانه ای داشته باشم؛ یعنی سعی کنم با فرزندم اشتراکاتی پیدا کنم.



+ یادداشت

تفریح، چرا؟ چگونه؟

● مریم دهقان، کارشناس ارشد مشاوره توان بخشی

انسان برای رفع خستگی روزمرگی هایش به ایجاد زمانی ویژه برای خود نیاز دارد که به اوقات فراغت یا تفریح شناخته می شود. از قضا بخش مهمی در زندگی روزمره هر فرد است و مثل سوپاپ اطمینان برای پیش بردن بخش کاری و وظایف اجتماعی و اقتصادی افراد عمل می کند. قطعاً اگر فردی بخواهد دائم در طول هفته فقط درس بخواند یا یک کار مشخصی که به او محول شده در اداره، مدرسه و خانه تکرار کند، مغزش هنگ می کند و ترک برمی دارد و از یک جایی به بعد، از کار می افتد و نمی تواند تصمیم های درست و حسابی بگیرد. می بینید؛ تفریح تا این حد مهم است همچنان که در آموزه های دینی و روان شناختی هم بر اختصاص دادن بخشی از زمان روزانه، هفته، ماه و سال به عملیات تفریح تأکید شده است. اما چه نوع تفریحی می تواند تا این حد مهم و نقش آفرین باشد که بتواند نقش ترمیم کننده روزمرگی افراد را ایفا کند؟

● قدم اول: تناسب تفریح با شخصیت

فرض کنید با چند نفر از دوستانتان تصمیم گرفته اید به پارک بروید و قدم بزنید و دمی با هم خوش باشید یا در یک مهمانی دوستانه شرکت کنید یا کتاب بخوانید یا در یک برنامه فرهنگی و جمعی شرکت کنید یا مسافرت بروید یا بخوابید یا به سینما بروید یا خودتان را به خوردن یک غذای دلچسب در یک رستوران مهمان کنید یا... کدام یک از این وضعیت ها را می پسندید؟ باید هر کسی بنا به ظرفیت وجودی، روحیات و شناختی که از خودش دارد تصمیم بگیرد در یکی از حالت های بالا قرار گیرد و نامش را تفریح بگذارد، اما بی شک همه یک حالت را انتخاب نمی کنند. بنابراین مهم است نوع تفریحی که انتخاب می کنیم بر اساس شناخت از علایق و درونیات خودمان باشد و هر دعوتی را نپذیریم.

● قدم دوم: هدف حتی برای تفریح

اگر شما هم جزو آن دسته افرادی هستید که برای مدل تفریحتان حتی با توجه به در نظر گرفتن قدم اول، ارزش قائل هستید به شما تبریک می گویم. ارزشمند کردن تفریح مساوی است با هدفمند کردن آن که می تواند نتیجه خوشایند و دلنشینی به فرد بدهد و در نهایت انرژی لازم را تا حد زیادی برای ادامه حیات و پرداختن به وظایف روزانه ذخیره می کند. هدفمندی تفریح به این معنا که به سود و زیان تفریحی که انتخاب می کنید توجه کنید. برخی تفریحات سالم هستند و برخی ناسالم و غیر مفید که تشخیص این مسئله به کمی توجه و دقت و آگاهی نیاز دارد. اگر انتخاب تفریح با سرشت انسان و نیازهای ذاتی فرد سازگار باشد آن تفریح، مفید تلقی می شود. این تفریح اگر بدون برنامه کتاب خواندن هم باشد باز غیر مفید محسوب می شود. بنابراین، مطالعه غیر درسی بدون برنامه نیز ممکن است حس ناخوشایندی به شما بدهد.

● قدم سوم: تفریح و فناوری

یکی از آسیب های جدید عصر گوشی های هوشمند، ایجاد لذت های کاذب است. بسیاری از افراد به ویژه نوجوانان و جوان ترها یا آن ها که تازه به دوران کشف و شهود فناوری قدم گذاشته اند و با دنیای شبکه های اجتماعی آشنا نشده اند بدون هدف، وقت بوی وقت، در مهمانی، دقایق قبل از خواب، حین آشپزی، درس خواندن، مطالعه کردن، خوردن، تماشای تلویزیون، محل کار و حتی رانندگی در حال اسکرول کردن صفحات خود هستند. مطالعات نشان داده ادامه این روند در افراد موجب افسردگی و اضطراب می شود که این نتیجه، خلاف اهداف تفریح سالم و مناسب است.

● قدم چهارم: به جیب نگاه کن

مقایسه کردن در هر عرصه ای یک دام خودتحقیری است و این موضوع در انتخاب تفریح نیز کاربرد دارد. هر کسی شرایط منحصر به فرد خود را دارد که قطعاً برای بهتر شدنش تلاش کرده است، اما اگر توقعات بیشتر از سطح توان واقعی افراد باشد افراد را خسته و ناامید می کند، اما شناخت شرایط و استفاده مناسب از داشته ها به احساس رضایت در افراد منجر می شود. مثلاً فرض کنید شما توان یک سفر کوتاه داخل کشور در طول سال را دارید، اما انتظار یک سفر لاکچری خارج از کشور را تصور می کنید. اینکه برای رسیدن به این هدف تلاش کنید ایرادی ندارد، اما با این رویا، همان سفر ساده خانوادگی خود را هم به چشم و دلتان زهر ماری کنید و بعد از برگشت از سفر همچنان احساس خستگی و درماندگی در شما می ماند و ادامه این روند ریشه های امیدتان را می تواند بخشکاند.

چقدر فضای مجازی در انتخاب تفریح نوجوان تأثیرگذار است؟

آنچه در فضای مجازی می بینیم از بیرون زیبا به نظر می رسد. اما درون آن ها نیازهای نوجوانان بیان می شود. یک نوجوان چه می خواهد؟ آزادی، مستقل بودن و روابط آزاد، که همه این ها در فضای مجازی یا فیلم می بیند، ولی ما معمولاً نمی گوییم که انتهای این چه مسائلی است. دیدن این رنگ و لعاب جذاب است، حتی برای بزرگ ترها هم این جذابیت وجود دارد. نوجوان آگاهی ندارد، اما با تماشای این ها برایش کشش ایجاد می شود و اینجاست که ما باید از محدودیت استفاده کنیم. دوباره برمی گردیم به همان ریشه های محکم؛ یعنی نوجوان در خانواده فردا یعنی رادار که با او با خیال راحت صحبت کند و آن فرد به نوجوان جهت دهد و قسمت های تاریکی را که بچه نمی بیند برایش روشن کند. هنگامی که نوجوان به والدینش اطمینان دارد، حرف های آن ها را می پذیرد.

تفریحات امروزی غیر مفید

متأسفانه یک درصد بالایی از تفریحات نوجوانان غیر مفید است و دچار بی انگیزگی هستند. اولین اتفاق بدی که در این تفریحات بی رویه می افتد، تلف شدن وقت گران بهای نوجوان است. زمان طلایی که می تواند به آموزش و توسعه فردی بگذرد، ساعت هادر کافه نشستن تلف می شود و همین نشستن هزینه ای دارد که به والدین آن ها تحمیل می شود. در این ارتباطات غیر مفید چیزهایی است که بعد از ۱۲ الی ۳ بار ممکن است کشش ایجاد کند و در همین رفت و آمدها معتاد فیگور سیگار کشیدن می شوند و دیدن مدام آن در کافه ها همان کشش را ایجاد می کند. به صورت قطعی ممکن است این کشش ایجاد نشود اما شاید در همین وقت تلف کردن ها ایجاد شود. یکی دیگر از کارهایی که میان نوجوانان باب شده، خرید کردن است که حال خوب را در خرید کردن می بینند که این هم هزینه زیادی به والدین تحمیل می کند. حتی عمل های زیبایی به جسمشان تحمیل می کنند چون آن قدر بی انگیزه هستند می خواهند با کارهای زیبایی حالشان را خوب کنند. مثلاً رنگ کردن مویا کاشت ناخن در مقطع دبستان هم دیده شده است! که خیلی خطرناک است و متأسفانه والدین فکر می کنند این آزادی است، ولی نمی دانند همین آزادی برای بچه اضطراب می آورد.

چگونه یک نوجوان تفریح لذت بخشی را تجربه کند؟

ابتدا باید برای لذت تعریف مشخصی داشته باشیم و مرز لذت بخش بودن را تعیین کنیم. باید لذت سالم را برای فرزندمان تعریف کنیم. به نوجوان باید آموزش داده شود که لذت آن چیزی است که برای جسم، روح، اجتماعی پذیری و شناخت روان مفید باشد. بنابراین تفریحی که انتخاب می کند هم باید برای خودش، خانواده اش و دوستانش خوب باشد. هنگامی که نوجوان بداند ساختار تفریح سالم چیست، دست به انتخاب می زند. به عنوان مثال، به همراه دوستانش به یک کافه می رود، قهوه یا هر چیزی سفارش می دهد و می داند اگر قهوه بخورد ضربان قلبش بالا می رود و ممکن است یک دمنوش یا یک سفارش دهد. شاید در همان فضا افراد دیگر نشسته اند و سیگار می کشند، اما در اینجا نوجوان سالم معنای تفریح سالم را می داند و انتخابش آن فضای دیگر نیست و با دوستانی می نشیند که تحت فشار آن ها نباشد یا حتی دوستانش هم برای خودشان حد و مرز دارند.



صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمايم: ارژنگ حاتمی
دبیر شهربانو: لیلا جانقربان
صفحه آرا: مرجانه باقری ورکیانی

عکاسان: فهیمه فرخی، حدیث فقیری، فاطمه حسینی و جواد کرمانی
تصویرسازی: رضا جنگی
ویراستاری: راهله سرادار
نشانی: خیابان کوهسنگی - نبش کوهسنگی ۱۵
روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹



قهرمانی در تور

مربی و داور موفق هندبال شهرما، وقت خود را صرف پرورش استعداد های این رشته می کند

زهرا زنگنه از معلم خود آموخت و به دانش آموزان آموزش می آموزد. آن معلم، مسیر چند ساله باز یکنی و مربی گری را پیش پای صفیه گذاشت تا او حالا خود را تا بالاترین سطوح مربی گری در رشته پرهیجان هندبال بالا بکشد. فعالیتی که برای او همراه با کسب رتبه های مختلف بوده است. توپ، تور و دروازه بیش از ۲۵ سال است که بخش مهمی از زندگی صفیه قاسمی پور شده است. او توانمندی ورزشی خود را با هنر معلمی در آمیخته است تا از او یک معلم تربیت بدنی بسازد.

استعدادی که در دوره متوسطه شکفت

رشته اش هندبال است، تحصیلاتش تربیت بدنی، شغلش معلمی و هنرش استفاده حداکثری از همه این توانمندی ها! کاری که هم موفقیت خودش را به همراه داشته و هم خیرش به بانوان علاقه مند هندبالیست رسیده است. این مسیر برای صفیه قاسمی پور از ۲۵ سال قبل آغاز شده است تا او رادر آستانه ورود به دهه پنجم زندگی اش در میان اهالی هندبال ورزش استان، چهره ای موفق جلوه دهد. از دوران متوسطه و به کمک معلم تربیت بدنی اش وارد دنیای هندبال شد. خیلی زود تجربه بازی در رقابت های استانی و کشوری را کسب کرد. تعریف می کند: «خیلی زود راه خودم را پیدا کردم، در دوره ها و لیگ های مختلف هندبال بازی کردم و علاقه من به این رشته پررنگ شد. یادم است از اولین دوره مسابقاتی که شرکت کرده ام تا الان همیشه مریبان و استادانی کنارم بوده اند که طی کردن این مسیر را آسان و موفقیت ها را در دسترس من قرار داده اند.»

رسالت من، رشد هندبال است

کسب تجربه و توان مدیریت خیلی زود مسیر صفیه را از بازیکنی به سمت مربی گری تغییر داد و حالا او در این سمت هم بیش از بیست سال تجربه دارد. تجربه ای که همراه با موفقیت های استانی و کشوری بوده است. قاسمی پور تعریف می کند: «من مربی گری هندبال بانوان را از رده های پایه تا بزرگ سالان عهده دار بوده ام که همراه با کسب سهمیه های مختلف لیگ ۱ و ۲ کشور بوده است.»

هندبال از صفیه قاسمی پور، یک ایران گرد ساخته است، کسی که علاوه بر بهره بردن از زیبایی های سایر شهرها، آموزه های ورزشی خود را در چناران، طرقله، شاهرود، کرمان و... به یادگار گذاشته است. تعریف می کند: «من این مسیر را از مدارس ناحیه یک مشهد شروع کردم و در ادامه به حضور در لیگ کشوری رسیدم. در کنار مربی گری داوری مسابقات هندبال را هم انجام می دهم. من برای این رشته وقت و انرژی می گذارم چون فکر می کنم رسالت

من پیشرفت و رشد این رشته ورزشی است و به همین خاطر است که چه در لباس مربی گری و چه به عنوان معلم تربیت بدنی تا زمانی که بازنشسته شوم برای پیشرفت این رشته تلاش می کنم.»

برنامه ریزی برای جذب استعدادها

آمادگی جسمانی در رشته هندبال مهم است، مطلوب بودن در این زمینه، بخش مهمی از موفقیت در هندبال است. این نکته مدنظر مربی باتجربه هندبال شهرماست. او درباره وضعیت این رشته در استان و در میان بانوان می گوید: «هندبال در ایران و مشهد طرفداران خاصی دارد، اما با توجه به هیجان و نشاطی که ایجاد می کند، باید بیشتر به جامعه معرفی شود.»

او ادامه می دهد: «هیئت های هندبال در استان ها برنامه ریزی مناسبی برای توسعه این رشته در میان بانوان داشته اند. البته برنامه ها برای جذب استعدادها باید بیشتر از این باشد.»

مقامها در بازیکنی

- دوم استان در سال ۷۶
- سوم کشور در سال ۷۷
- اول دانشگاه های منطقه در سال ۹۵
- اول دانشگاه های منطقه در سال ۹۶

عنوانها در لیگ

- قهرمان لیگ دسته دوم ۱۴۰۲ بیرجند
- مقام سوم لیگ دسته یک سال ۱۴۰۱ کرمان
- قهرمان لیگ دسته یک سال ۱۴۰۰ شاهرود
- نایب قهرمان لیگ دسته یک سال ۱۳۹۹ کازرون
- نایب قهرمان لیگ دسته یک سال ۱۳۹۸ تبریز

مقامها در مربی گری

- قهرمان مسابقات منطقه ای رده نونهالان در شاهرود سال ۹۸ و ۹۹
- نایب قهرمان مسابقات منطقه رده نوجوانان در سال ۹۹
- نایب قهرمان مسابقات نوجوانان در تبریز سال ۹۸
- نایب قهرمان مسابقات کشوری جوانان سال ۹۷
- سوم مسابقات نونهالان سال ۹۷ در کرمانشاه
- قهرمان مسابقات آموزشگاه هادر شیراز سال ۹۷
- قهرمان استان در مسابقات مدارس ابتدایی (تیم چناران)

مربی گری رده آزاد و لیگ

- سر مربی تیم بام ایران لیگ برتر سال ۹۴
- کمک مربی تیم استادساز مشهد در لیگ برتر سال ۹۹ (قهرمانی کشور)